

### درس اول

#### هدف کلی درس

تشخیص جایگاه دانش فلسفه در میان دانش‌ها و تمایز آن از سایر علوم

**اهداف مهارتی و جزئی – توانایی‌های مورد انتظار**

توانایی تشخیص سؤال‌های فلسفی از غیر آن

اهمیت دادن به این قبیل سؤال‌ها و توجه به جایگاه آنها در تفکر

بیان فرایند و چگونگی شکل‌گیری تفکر فلسفی

توانایی تمکیک میان تفکر فلسفی و دانش فلسفه

توانایی توضیح تفاوت‌های دانش فلسفه با سایر علوم

ارزیابی از خود و میزان اهمیتی که به مسائل فلسفی می‌دهد.

#### طراحی آموزشی درس

با توجه به هدف کلی و مهارت‌های مورد انتظار، درس با یک داستان کوتاه و حکایت یک واقعه شروع می‌شود. این واقعه برای جلب توجه دانش‌آموز به موضوع اصلی درس است. به عبارت دیگر، یک شوک کوتاه برای عبور از یک وضع معمولی به یک وضع ویژه است. در پایان این حکایت کوتاه، سؤالاتی طرح شده که تا آخر درس و حتی تا پایان بخش اول با آنها دست به گریبان است.

دانش‌آموز، با عبور از این داستان، وارد فضایی از پرسش‌هایی می‌شود که گرچه پرسش‌های همواره اوست، اما کمتر به صورت دقیق و متفکرانه به آنها اندیشیده و کمتر برای رسیدن به پاسخ درست، ساعت‌ها وقت صرف کرده است.

در این سیر، دانش‌آموزان توجهشان به ابعادی دیگر از زندگی و مسئله‌های آن جلب می‌شود که دیگر از سنخ برد و باخت دو تیم فوتبال، گران شدن یا ارزان شدن سکه و بیماری با به‌دست آوردن سلامتی یکی از بستگان نیست؛ یعنی فضا برای طرح مسئله‌هایی از جنس فلسفه آماده می‌شود.

در این مرحله است که بحث پیرامون «تفکر فلسفی» آغاز می‌شود، نه «دانش فلسفه» و نشان داده می‌شود که آنچه تاکنون طی شد، از جنس «تفکر فلسفی» بود که با سایر تفکرات تمایزی روشن دارد. در همین مرحله، دانش‌آموز دعوت می‌شود که توجهی به خود هم بکند و ببیند که تا چه اندازه با چنین فضایی آشناست. آیا قبلاً تأملاتی از این قبیل داشته؟ آیا مثلاً اهل خواندن کتاب‌های ادبی، شعر و رمان بوده؟ آیا در اندیشه بزرگان

سیر و سلوکی کرده؟ یا نه، بیشتر دست به گریبان مسئله‌های روزمره بوده است. بعد از عبور از مرحله تفکر فلسفی، دانش آموز وارد فضای دانش فلسفه و درک صحیح مسئله‌های فلسفی می‌شود و به طور اجمال دو ویژگی اصلی این دانش را شناسایی می‌کند: اول: تفاوت موضوعی و مسئله‌ای این دانش با دانش‌های دیگر؛ دوم: روش مورد استفاده در این دانش برای حل مسئله‌ها و پاسخ به سؤال‌ها.

صحنه‌ای برای برانگیختن توجه دانش آموزان  
ورود به فضای پرسش‌های فلسفی و تأمل درباره آنها  
توجه به تفاوت پرسش‌ها و عمق پرسش‌های فلسفی  
تشخیص تفکر فلسفی با غیر آن  
عبور از تفکر فلسفی به دانش فلسفه و تشخیص دانش فلسفه از سایر دانش‌ها

### پیش‌دانسته‌ها و اصطلاحات این درس

تفکر و مهارت‌های تفکر که در درس‌هایی مانند منطق سال دهم و مهارت‌های تفکر در دوره اول متوسطه ... علوم و شاخه‌های آن به صورت اجمالی، مانند علوم طبیعی: فیزیک، شیمی و ... علوم انسانی: جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ... علوم دینی: تفسیر، فقه و ...	پیش‌دانسته‌ها
تفکر فلسفی، دانش فلسفه، مسئله‌ها و موضوعات بنیادین، اصطلاح فلسفه، روش عقلی (در مقابل روش تجربی)	اصطلاحات این درس

### محورهای اصلی درس

برای اینکه تدریس این درس از محدوده تعیین شده خارج نشود، لازم است تدریس دیر و یادگیری متمرکز بر محورهای زیر باشد:

- ۱- برخی از مسئله‌ها و حادثه‌ها فراتر از امور معمولی و روزمره زندگی هستند.
- ۲- حقیقتی در وجود انسان است که او را به سوی اموری فراتر از روزمرگی‌ها فرامی‌خواند.
- ۳- یکی از ابعاد تفکری انسان، تفکر فلسفی است.
- ۴- فلسفه دانشی است که با تمرکز و مطالعه جدی اندیشمندان در حوزه مسئله‌های فلسفی، به تدریج شکل گرفته و توسعه یافته است.
- ۵- مسئله‌ها و موضوعات فلسفی، بنیادی‌ترین مسئله‌ها و موضوعاتی هستند که بشر با آنها سروکار

دارد.

۶- روش تحقیق و تفکر در مسئله‌های فلسفی، روش عقلی و استدلالی محض است.

## نکات آموزشی و مسیر تدریس

### ۱- حکایت سرنشینان کشتی

این حکایت کوتاه، تمثیلی است برای نشان دادن حال کسی که از اطرافیان خود فراتر می‌رود و متوجه مسئله‌هایی می‌شود که دیگران کمتر به آن توجه می‌کنند. در کتاب‌های فلسفی و نیز عرفانی از تمثیل‌های دیگری نیز استفاده شده است. مهم‌ترین و مشهورترین تمثیل، همان تمثیل غار افلاطون است که چون در این کتاب در جاهای مختلفی از این تمثیل استفاده شده، در اینجا مورد استفاده قرار نگرفته است.

علاوه بر تمثیل، شرح احوال برخی فیلسوفان و عارفان نیز بیانگر همین حکایتی است که در ابتدای درس آمده است. حکایت ابراهیم ادهم که از اشراف‌زادگی خارج می‌شود و به زهد و فقر روی می‌آورد<sup>۱</sup>. شرح زندگی فضیل بن عیاض که از دزدی به زهد و عبادت سیر می‌کند و از عارفان قرن دوم می‌شود<sup>۲</sup>، زندگی‌نامه آگوستین، مسئله و فیلسوف دوره اول قرون وسطی که در همان دوره تحصیل سرگرم شهوات بود و پیرو آیین مانوی شده بود و با یک تحول به آیین مسیح روی می‌آورد و زهد و باکدامنی پیشه می‌کند و تحولات روحی خود را در کتابی به نام «اعترافات» شرح می‌دهد<sup>۳</sup>.

توجه: درست است که در شرح حال عارفان معمولاً این‌گونه تحولات روحی ذکر شده است، اما آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد و این تحول عرفانی را با مسئله فلسفی همراه می‌کند، خروج از روزمرگی و مسئله‌های معمولی و عمومی و توجه به مسئله‌های اساسی هستی و زندگی است که مشترک میان عارفان و فلسفه و همچنین مشترک میان این دو و دین است. داستان بشر حافی نیز که در حاشیه این درس آمده و بعداً بدان خواهیم پرداخت از همین جهت در اینجا استفاده شده است.

نکات مورد نظر در این حکایت عبارت‌اند از:

– اقیانوس به عنوان نماد هستی و بی‌کرانگی آن یا نماد زمین و گستردگی آن

– کشتی به عنوان نماد زمین در بی‌کرانگی هستی، یا نماد یک جامعه در گستره زمین

– تابش خورشید و پدیدار شدن روز، تمثیلی برای امکان تفکر و مشاهده و خروج از ظلمت جهل و نادانی

– رفتار اغلب سرنشینان که سرگرم خواب و استراحت و صبحانه بودند و غافل بودند که سوار بر

پاره‌هایی چوب در وسط یک اقیانوس بی‌کران قرار دارند و غافل بودند که «چرا سوار کشتی شده‌اند؟» و

«به‌سوی کجا در حرکت‌اند؟» و «آیا خطری آنان را تهدید می‌کند یا نه؟» و ...

– جوانی که به عرشه می‌آید، نماد کنجکاوی و توجه به مسئله‌های اصلی زندگی و هوشیاری فیلسوفانه

۱- ابراهیم ادهم: از پادشاهی تا ... به قلم دکتر حسن نصیری جامی، انتشارات مولی

۲- تذکره الاولیاء، عطار نیشابوری

۳- اعترافات، آگوستین، دفتر پژوهش و نشر سهروردی؛ تاریخ فلسفه، کابلسون، جلد دوم

– حیرت جوان که حاصل توجه به دریای بی کران بود، نماد حیرتی که از توجه به هستی و عظمت آن حاصل می‌شود.

– هشدار جوان و بیدار کردن دیگران، نشانه و نماد مسئولیت‌پذیری یک فیلسوف و آگاه کردن دیگران و توجه دادن به آنها

– غایب بودن ناخدا در داستان، نماد غفلت و بی‌توجهی بسیاری از انسان‌ها از حضور یک مدیر و خدای حاضر و ناظر که با قبول آن می‌توان به همه پرسش‌های جوان پاسخ صحیح داد.

– آمدن روی عرشه، نماد خروج از وضع عادی و آمدن به وضع جدید و امکان مشاهده هستی و پیدایش سؤال‌ها در ذهن و اندیشه.

– تبدیل لذت مشاهده اقیانوس به سؤال و حیرت، نشان‌دهنده آن است که تا انسان از وضع موجود خود فراتر نرود و از زندان سرگرمی‌های روزمره جدا نشود و توجهی به آفاق و هستی بیکرانه و آنفُس یا درون پرجاذبه ننماید، حیرت و سؤال فیلسوفانه شکل نمی‌گیرد.

## ۲- سؤال‌های پایانی داستان (فعالیت تفکر)

این سؤال‌ها سبب می‌شود که دانش‌آموزان به ابعاد سمبلیک آن و نکات مهم و موردنظر داستان بیشتر توجه کنند.

دبیر می‌تواند ابتدا داستان را بخواند یا از دانش‌آموزی که در متن خوانی تبحر دارد استفاده کند و دانش‌آموزان را آماده فعالیت «تفکر» نماید و فضای مناسب برای گفت‌وگو را فراهم کند.

## ۳- طرح سؤال‌های فیلسوفانه

دانش‌آموزان، در این مرحله با مجموعه‌ای از سؤال‌ها مواجه می‌شوند که یا فلسفی هستند یا بیشترین نزدیکی را با فلسفه دارند، سؤال‌های بنیادی و اساسی در دو حوزه انسان و جهان. در این قسمت، دبیر می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که مهم‌ترین و عمیق‌ترین سؤال‌ها در حوزه انسان و جهان بیان کنند و در جدولی مانند جدول زیر تنظیم نمایند.

سؤال‌های اساسی درباره انسان	سؤال‌های اساسی درباره جهان
۱-.....	۱-.....
۲-.....	۲-.....
۳-.....	۳-.....
۴-.....	۴-.....
۵-.....	۵-.....

توجه شود که در این مرحله ضرورتی ندارد که تعریفی از فلسفه ارائه شود و دانش‌آموزان ملزم گردند که در چارچوب این تعریف سؤال فلسفی طرح کنند. آنها ممکن است هر سؤال جدی خودشان را سؤال فلسفی

تصور کنند. تشخیص دقیق سؤال‌های فلسفی از غیر آن باید در مراحل بعد صورت بگیرد.

#### ۴- فعالیت نمونه‌یابی

این فعالیت در راستای سؤال‌هایی است که در صفحه ۴ کتاب آمده است. دانش‌آموزان، می‌توانند سؤال‌هایی را که به نظر خودشان از جنس سؤال‌های طرح شده است، بیان کنند. خوب است برخی سؤال‌های دانش‌آموزان که به نظر شما جالب‌تر است، روی تابلو نوشته شود و به بحث گذاشته شود و دانش‌آموزان دیگر درباره‌ی آنها نظر بدهند. راهنمایی ضمنی و غیرمستقیم شما، به تدریج به دانش‌آموزان کمک می‌کند که با سنخ مسئله‌های فلسفی بیشتر آشنا شوند و توانایی بیشتری در طرح مسئله‌های فلسفی پیدا کنند. ■

#### ۵- فعالیت مقایسه

در این فعالیت، سه سؤال طرح شده، پاسخ دقیق به این سؤال‌ها در این مرحله از درس ضروری نیست، زیرا هنوز دانش‌آموزان به صورت منطقی تفاوت فلسفه با سایر علوم و مسائل روزمره را نمی‌دانند. دانش‌آموزان، در این فعالیت پاسخ‌هایی می‌دهند که چه بسا اشتباه باشد. شما با توضیحات درباره‌ی نظرات دانش‌آموزان نکات اشتباه را تذکر می‌دهید اما نظر کلی و پایانی را بیان نمی‌کنید و آن را به مباحث آینده می‌گذارید.

مثلاً ممکن است دانش‌آموزان در پاسخ سؤال اول بگویند این مسئله‌ها اهمیتش از مسائل روزمره بیشتر است یا بگویند این مسئله‌ها پایدارترند یا بگویند این مسئله‌ها کلی‌تر و اساسی‌تر هستند و یا بگویند این مسئله‌ها مشترک میان عموم انسانهاست. همه این پاسخ‌ها به یک معنا درست است گرچه دقیق نیست. اما ما در اینجا این پاسخ‌ها را از دانش‌آموزان می‌پذیریم.

سؤال دوم مقداری سخت‌تر است. دانش‌آموزان در پاسخ به این سؤال باز هم ممکن است پاسخ‌هایی شبیه به پاسخ‌های اول بدهند؛ مثلاً بگویند مسئله‌هایی که طرح شد، کلی‌تر و اساسی‌تر از مسئله‌هایی است که در علوم ریاضی و فیزیک و مانند آنها طرح می‌شود. یا بگویند این مسئله‌ها ذهنی هستند و مسئله‌های علوم واقعی و قابل آزمایش. همین پاسخ‌ها می‌تواند برای معلم وسیله‌ای باشد برای گفت‌وگو و رفع ابهام و نزدیک کردن دانش‌آموزان به پاسخ اصلی.

سؤال سوم کاملاً واگراست و پاسخ آن بستگی به احساس و سلیقه دانش‌آموزان دارد. این سؤال سبب تمرکز دانش‌آموزان روی مسئله‌های طرح شده می‌شود و هر موردی را که دانش‌آموز انتخاب کند و بگوید که فلان مسئله اهمیت بیشتری دارد، همین انتخاب می‌تواند بیانگر تفکرات و تأملات خاص آن دانش‌آموز باشد.

#### ۶- مذاکره درباره‌ی «تفکر فلسفی»

با فعالیت‌های قبلی، دانش‌آموزان تا حدودی وارد فضای مباحث فلسفی شده‌اند. اکنون آمادگی بیشتری دارند که جایگاه فلسفه را در میان اندیشه‌ها و تفکرات خود بیابند. توجه: اینجا بحث درباره‌ی «تفکر فلسفی» است، نه فلسفه.

توضیح این بخش بیشتر توسط دبیر باید صورت بگیرد.

برای کسب اطلاع بیشتر از جایگاه تفکر و انواع تفکر، از جمله تفکر فلسفی به سایت

گروه فلسفه مراجعه کنید.

توضیح مختصری درباره «تفکر فلسفی»: انسان، موجودی متفکر است. با تولد هر نوزاد فکر کردن او هم آغاز می شود. فکر کردن برای شناختن است، او می خواهد دنیای پیرامون خود را بشناسد. این توانایی کودک را گاهی «حس کنجکاو» می نامند. او به هر چیزی دست می زند و به هر جایی سرک می کشد تا بداند آن چیز و یا آنجا چیست. در بیان انسان شناسی اسلامی، نام این ویژگی «گرایش به حقیقت» یا «حقیقت طلبی» است.

کودک، به تدریج رشد می کند و تفکر وی توسعه می یابد و به تفکرات پیچیده تر و گسترده تر می رسد تا اینکه به «تفکر فلسفی». جرقه های تفکر فلسفی در همان سنین کودکی زده می شود، اما در دوره نوجوانی خود را بهتر نشان می دهد. آن زمان که نوجوان هویت خود را جستجو می کند، مسئله های فلسفی نیز برای او پیدا می شود. این دوره بهترین زمان برای شکل دادن به تفکر فلسفی است. به عبارت دیگر، هر انسانی وارد تفکر فلسفی می شود، اما رشد و فعالیت آن بستگی به تربیت در خانواده و نظام آموزشی دارد.

همه افراد نیازمند رشد تفکر فلسفی هستند، گرچه برخی از افراد فلسفه دان و معدودی از افراد فیلسوف می شوند. همه نیاز دارند که بنیان های زندگی خود را با تفکر و خردورزی بنا کنند. همه نیاز دارند که بدانند «چرا زندگی می کنند؟» و «چرا این گونه ای که انتخاب کرده اند، زندگی می کنند؟ از این رو امیرمؤمنان فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرَ عِلْمٍ مِنْ أَيْنَ وَ فِی أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ» و این سه مورد، سه سؤال اساسی و فلسفی عموم انسان هاست: که «از کجاست؟» و «در کجاست؟» و «به سوی کجاست؟».

متأسفانه بسیاری از مردم «تفکر فلسفی» را جدی نمی گیرند و سرگرم زندگی روزمره و حل مسئله های آنها. اینان، به تعبیر ملاصدرا، در همان «فطرت اول» که همان عالم طبع و زندگی دنیایی است مانده اند و به حل و فصل امور آن سرگرم اند؛ و به تعبیر افلاطون، همچنان در غار، گرفتار تاریکی اند و نتوانسته اند زنجیرهای روزمرگی را از دست و پای خود بازکنند و روزهایی به روشنایی بیرون غار باز نمایند.

«تفکر فلسفی» توجه به بیرون غار و عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است، آنجا که هویت واقعی انسان شکل می گیرد و مسئله هایی برای او پیدا می شود که از جنس مسئله های همه روزه نیست. این مسئله ها، اگر دنبال شوند، معمولاً مراحل زیر را به دنبال دارند:

۱- برخورد با مسئله فلسفی و بنیادی؛ مثلاً مواجهه با مسئله مرگ  
۲- حیرت در مقابل مسئله؛ عظمت مسئله طرح شده، فرد را دچار گونه ای از حیرت می کند و همین امر او را به مرحله بعد می کشاند.

۳- طرح سؤال های اساسی: مثلاً مرگ چیست؟ چرا مرگ هست؟ آیا همه موجودات مرگ دارند؟

۴- تفکر در اندوخته ها، این اندوخته ها می تواند همان معلومات قبلی وی باشد و می تواند دانش هایی باشد که ناشی از جستجوگری وی بعد از طرح سؤال باشد، دانش هایی که از راه کتاب یا از راه سؤال از معلم

و استاد به دست می‌آورد.

۵- نتیجه برداشتن چهار گام قبلی، رسیدن به گام پنجم، یعنی دریافت فلسفی است. البته زمان لازم برای رسیدن به این دریافت فلسفی متفاوت است و به همت، پشتکار، مهارت و توانایی فکری افراد بستگی دارد. لذا ممکن است برخی سریع به دریافت فلسفی برسند و پس از آن وارد مسئله دیگری شوند و برخی هیچ‌گاه به چنین دریافتی نرسند.

تلاش ما و شما (نظام آموزشی) باید این باشد که بتوانیم «تفکر فلسفی» را در دانش‌آموزان شکوفا کنیم و به سویی سوقشان دهیم که درباره مسئله‌های بنیادی زندگی بیندیشند و درست بیندیشند و با آگاهی و نه از روی تقلید «فلسفه زندگی» خود را بسازند.

## ۷- فعالیت ارزیابی

این فعالیت، در راستای همان نکات بالاست. سخنی از ملاصدرا نقل شده که مردم را به دو گروه «واقف» و «ساقی» تقسیم کرده است.

شعری نیز از اقبال لاهوری آمده که برخی از مردم را به «ساحل» تشبیه کرده و برخی را به «موج». اقبال می‌گوید آنان که شبیه ساحل‌اند و ایستاده و راکداند، مانند این است که نیستند. هستند، اما هستی انسانی ندارند و آنان که موج‌وار زندگی می‌کنند و در بویایی و رفتن و حرکت‌اند، اینها زندگی واقعی انسانی دارند. بعد از این دو نکته، دو سؤال طرح شده است. با طرح سؤال اول دانش‌آموزان متوجه می‌شوند که ملاصدرا و اقبال با دو شیوه بیان یک مطلب را عرضه می‌کنند.

سؤال دوم، برای تأمل در خود و ارزیابی خود است و پاسخ به آن اجباری نیست. البته اگر دانش‌آموزانی بخواهند حال و گرایش خود را بیان کنند، باید از آن استقبال کرد و زمینه گفت‌وگو را باید فراهم کنیم.

## ۸- بیشتر بدانیم: دربارهٔ واژه فلسفه

این کتاب حاشیه‌هایی دارد که شامل مطالب مفید برای دانش‌آموزان است. از این محتوا در هیچ آزمونی، چه آزمون‌های آموزش و پرورش و چه آزمون سراسری دانشگاه‌ها نباید امتحان گرفته شود. در این «بیشتر بدانیم» سیر تحول و تطوّر لفظ «فلسفه» به‌طور مختصر توضیح داده شده است. از آنجا که این بحث تاریخی ماهیت فلسفی ندارد و بیشتر جنبه دانش عمومی دارد، در قسمت «بیشتر بدانیم» واقع شده است.

برای کسب اطلاع بیشتر دانش‌آموزان از تحوّل تاریخی این لفظ می‌توان منابع

زیر را به آنها معرفی کرد:

## ۹- دانش فلسفه

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، عبارت اول ذیل این عنوان چنین است: «تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال‌های طرح شده موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» گشته است.

پس، اولاً ما باید همچنان سؤال‌های طرح شده را در معرض دید و توجه دانش‌آموزان قرار دهیم و آنها

بدانند که سؤال‌هایی که در ابتدا طرح شد، همچنان محور بحث و گفت‌وگو است.

ثانیاً، کلمه «قانونمند» می‌خواهد نحوه ورود و خروج مسائل در یک دانش را با آنچه به صورت معمولی در محاوره‌ها گفته می‌شود، متمایز کند و مشخص کند که شکل‌گیری یک شاخه دانش و محتوای علمی آن با پاسخ‌های پراکنده که مراحل استدلال منطقی خود را به درستی طی نکرده و متکی به پیشینه تاریخی و مراحل طی شده نیست، تفاوت دارد. یعنی گرچه «تفکر فلسفی» یک توانمندی عمومی است که در همه انسان‌ها باید به فعلیت برسد، اما این، مساوی با «دانش فلسفه» نیست. دانش فلسفه چارچوب و قانونمندی خاص خود را دارد که با تحقیق و آموزش به دست می‌آید و نیازمند بررسی تخصصی اقوال و نظرات مطرح شده در طول تاریخ است.

برای اینکه به صورت «قانونمند» وارد دانش فلسفه شویم،

۱- باید بتوانیم مباحث و مسائل فلسفی را از غیر آن بشناسیم و امور دیگر را وارد فلسفه نکنیم.

۲- روش حل مسائل فلسفی را به دست آوریم.

۳- سیر تاریخی مباحث را بشناسیم و متکی بر دانش به دست آمده به تفکر ادامه دهیم.

### ۱۰- ویژگی‌های دانش فلسفه - (فعالیت تفکیک)

این فعالیت برای آن است که قبل از بیان تفاوت‌های فلسفه، توجه دانش‌آموزان به این تفاوت‌ها، هر چند به صورت غیردقیق جلب شود. این سؤال‌های هشتگانه، برخی تاریخی‌اند، برخی فقهی، برخی از سنخ علوم طبیعی و برخی هم فلسفی‌اند.

دانش‌آموز می‌تواند سؤال‌های فلسفی را در ستون «الف» قرار دهد که شامل سؤال ۲، ۵، ۶ و ۸ می‌شود و سؤال‌های غیرفلسفی را در ستون «ب» قرار دهد که شامل شماره‌های ۱، ۳، ۴ و ۷ می‌گردد. همچنین می‌تواند در ستون «ب» مشخص کند که هر سؤال مربوط به چه شاخه‌ای از دانش است.

ردیف	سؤال‌ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		تاریخی
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟	×	
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		فقهی
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		تاریخی
۵	آیا هر چیزی دارای علت است؟	×	
۶	آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست؟	×	
۷	پیرشدن سلول‌ها در اثر کدام عامل شیمیایی است؟		شیمی



## ۱۱- توضیح درباره تفاوت اصلی فلسفه با سایر علوم (ویژگی اول فلسفه)

همان‌طور که می‌دانیم، هر علمی پیرامون مسائل یک موضوع بحث می‌کند. به عبارت دیگر، تفاوت اصلی یک علم با علم دیگر در موضوعات آنهاست. البته، امروزه به دلایلی که در جای خود آمده، برخی تفاوت علوم را در روش، برخی در غایات و اهداف می‌دانند، و حتی برخی معتقدند که تفاوت حقیقی میان علوم نیست و امروزه دانش‌هایی داریم که از پیوند میان چند علم پدید آمده‌اند. اما هیچ کدام از این دیدگاه‌ها دقیق نیست زیرا اولاً تعیین‌کننده روش هر علم، نیز موضوع است؛ یعنی موضوع آن علم است که معین می‌کند ما از چه روشی می‌توانیم در این علم استفاده کنیم و از چه روشی نمی‌توانیم بهره ببریم. ثانیاً اموری مانند اهداف و غایات، ما را به تمایز حقیقی میان علوم نمی‌رسانند، بلکه بیشتر جنبه کاربردی دارند.

به هر ترتیب، در این کتاب، اصل «تمایز علوم به تمایز موضوعات است» پذیرفته شده اما در هنگام بیان و شرح موضوع فلسفه، از تعریف دقیق و فلسفی آن خودداری شده و تعریفی که به تعریف حقیقی نزدیک است؛ بیان گردیده است. می‌دانیم که تعریف کلاسیک موضوع فلسفه، در نزد فلاسفه اسلامی، در «وجود بماهو وجود» است؛ یعنی فلسفه از مسائل و احکام وجود بماهو وجود صحبت می‌کند که نهایی‌ترین و بنیادی‌ترین موضوع است.

در اینجا از همین لازمه استفاده شده و گفته شده که فلسفه درباره بنیادی‌ترین موضوعات سخن می‌گوید و از کلماتی مانند:

نهایی‌ترین مسائل و موضوعات

اصل و حقیقت هر چیز

نهایی‌ترین پرسش‌ها درباره چیستی و چرایی امور

استفاده شده تا ذهن دانش‌آموز را به سمت شناخت دقیق تر فلسفه جلب کند.

## دو مثال برای تفاوت فلسفه با سایر علوم

در قسمت «بیشتر بدانیم» دو مثال برای توضیح بیشتر این تمایز ذکر شده:

یک مثال از حوزه علوم نظری: علم شیمی و فلسفه.

یک مثال از حوزه علوم عملی: علم اخلاق و فلسفه

نکته ۱: ما از دانش‌آموزان انتظار نداریم که به نحو دقیق بتوانند محدوده فلسفه را از غیرفلسفه مشخص کنند. چه بسا که برخی افراد اهل مطالعه نیز دقت کافی را در این کار نداشته باشند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، توجه آنها به بنیادی بودن موضوع فلسفه است.

نکته ۲: این نکته نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باید برای دانش‌آموزان روشن شود که این‌گونه نیست که اگر قضیه‌ای در علوم دیگر قرار نگیرد، مثلاً جزء ریاضی یا فیزیک یا زیست یا اخلاق نبود، این

مسئله فلسفی است، یا هر قضیه پیچیده‌ای یک قضیه فلسفی است. ذهن آدم‌ها بسیاری از قضایای توهمی و تخیلی را می‌سازد و برخی آدم‌ها به اموری اعتقاد دارند که در جهان واقعی مصداقی برای آنها نیست. ما نمی‌توانیم بدون معیار و ملاک آنچه را که در اذهان مردم می‌آید و مثلاً اموری انتزاعی محسوب می‌شوند، از قبیل فلسفه بدانیم و آنها را امور فلسفی بنامیم.

## ۱۲- تبیین ویژگی دوم فلسفه

**فعالیت تفکر:** تبیین این ویژگی از مسیر یک فعالیت می‌گذرد. دانش‌آموزان با شش سؤال روبه‌رو می‌شوند و باید با استفاده از آنچه در منطق آموخته‌اند، بگویند که برای رسیدن به پاسخ هر سؤالی از چه روشی می‌توان کمک گرفت.

در منطق سال دهم آنان آموخته‌اند که بشر برای کسب دانش از دو روش استدلالی کمک می‌گیرد<sup>۱</sup>:

۱- استدلال استقرایی و تجربی

۲- استدلال قیاسی

دانش‌آموزان، باید روبه‌روی هر سؤال، روش پاسخ به آن را ذکر کنند و تا آنجا که می‌توانند توضیح دهند که چرا این روش را پیشنهاد می‌دهند.

سؤال ۱: استدلال قیاسی

سؤال ۲: استدلال استقرایی و تجربی

سؤال ۳: استدلال استقرایی و تجربی

سؤال ۴: استدلال قیاسی

سؤال ۵: استدلال قیاسی

سؤال ۶: استدلال قیاسی

سؤال اول یک سؤال ریاضی است. در ریاضیات از اقسام استدلال‌های قیاسی استفاده می‌شود. پس ریاضیات از نظر روش شبیه به فلسفه است، اما از نظر موضوع با آن متفاوت است.

سؤال دوم یک سؤال در حوزه علوم طبیعی است و لذا باید از تجربه و استقراء استفاده کرد.

سؤال سوم یک سؤال مربوط به حوزه علوم انسانی است که باید از طریق استقراء به پاسخ آن رسید.

سؤال چهارم یک سؤال مربوط به انسان‌شناسی فلسفی است که پس از شناخت حقیقت انسان و جهان می‌توان به آن پاسخ داد مثلاً اگر انسان مرکب از جسم و روح باشد و اگر جهان غایتمند باشد، یک پاسخ دارد. اما اگر انسان مثلاً فقط جسم باشد و جهان نیز غایتی نداشته باشد، پاسخ دیگری دارد.

سؤال پنجم نیز یک سؤال فلسفی است. درست است که ما به تجربه می‌بینیم که انسان‌ها و حیوان‌ها حیاتشان موقت است و پایانی دارد. اما وقتی می‌پرسیم که «آیا هر حیاتی پایانی دارد؟» این سؤال را نمی‌توان با

---

۱- البته در همین جا نکات دقیقی وجود دارد که نیازی به طرح آنها در کلاس نیست. اینکه آیا استقراء همان تجربه است یا تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و اینکه در هر تجربه‌ای هم از نوعی قیاس استفاده می‌کنیم، از جمله نکاتی است که در این مرحله نباید در کلاس طرح شود.

این تجربه‌ها پاسخ داد. می‌دانیم که خداوند هم حیات دارد، فرشتگان هم حیات دارند، اما حیات آنها پایان ندارد. سؤال ششم نیز یک سؤال فلسفی است زیرا دربارهٔ کل هستی سؤال می‌کند و یک سؤال بنیادین است. کل هستی در ظرف تجربه و آزمایش قرار نمی‌گیرد.

### ۱۳- فعالیت بررسی

این فعالیت برای افزایش دقت نظر دانش‌آموزان است. برای اینکه بدانند «روش استدلال نقلی»، خودش یک روش استدلال در کنار «استدلال استقرایی و تجربی» و «استدلال قیاسی» نیست. کسی که از دانستهٔ یک پزشک یا یک فیزیک‌دان استفاده می‌کند، می‌داند که آن پزشک و فیزیک‌دان قبلاً از طریق تجربه به نتایجی رسیده‌اند و آن را در اختیار ما قرار داده‌اند و چون او به آن پزشک و فیزیک‌دان اعتماد دارد، نظر او را پذیرفته است یعنی اصل رسیدن به آن علم از طریق تجربه بوده است.

### ۱۴- به کار ببندیم.

پاسخ سؤال اول: روشن است که مورد «ب» پاسخ سؤال است.

پاسخ سؤال دوم: ترتیب مسیر درست تفکر:

آگاهی از مجهولات و ندانسته‌ها

چست و جوی پاسخ سؤال‌ها

تشخیص مسائل مهم و مؤثر از مسائل فرعی و غیرمهم

ارائه استدلال صحیح

داشتن معیار برای پذیرفتن پاسخ

پاسخ سؤال سوم: این سؤال بدان جهت طراحی شده که دانش‌آموزان یک مرور عمیق به درس بکنند و سیر درس را به دست آورند. همچنین محورهای اصلی و مهم هر عنوان را استخراج کنند. در تکمیل جدول، نباید دانش‌آموزان را به جملات خاصی وادار کرد. همچنین لازم نیست همهٔ خانه‌های جدول تکمیل شود. ما در اینجا، برخی جملاتی را که می‌تواند در جدول قرار بگیرد، آورده‌ایم.

تفکر فلسفی	برخی انسان‌ها توجهشان به مسئله‌های فلسفی جلب نمی‌شود.	برخی انسان‌ها از سؤال‌های معمولی عبور می‌کنند و اهل تفکر در مسئله‌های فلسفی هستند.	ورود به تفکر فلسفی یکی از نشانه‌های تکامل فکری انسان است.
فلسفه	فلسفه یک دانش ویژه است که قوانین خاص خود را دارد.	کسی می‌تواند به سؤال‌های فلسفی پاسخ دقیق بدهد، که در این دانش تخصص داشته باشد.	
ویژگی‌های فلسفه	فلسفه در موضوع و روش با دانش‌های دیگر فرق دارد.	موضوع فلسفه بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات است.	روش استدلال در فلسفه استدلال قیاسی است.

## درس دوم : ریشه و شاخه‌های فلسفه

### هدف کلی

توانایی تفکیک فلسفهٔ اولی از فلسفه‌های مضاف  
شایستگی‌هایی که در این درس باید کسب شود :

- ۱- تشخیص مسئله‌ها یا گزاره‌هایی که مربوط به فلسفهٔ اولی است.
- ۲- تشخیص مسئله‌ها یا گزاره‌هایی که مربوط به فلسفه‌های مضاف است.
- ۳- ذکر تفاوت فلسفهٔ اولی با فلسفهٔ مضاف با بیان نمونه‌ها.

### طراحی آموزشی درس

این درس با یک فعالیت توسط دانش‌آموزان آغاز می‌شود. در این فعالیت عبارتهایی از نسخ فلسفهٔ اولی و فلسفه‌های مضاف آمده و دانش‌آموزان با مطالعهٔ آنها و بدون راهنمایی معلم باید نوعی تفاوت میان عبارتها را حدس بزنند.

پس از آن، بحث به سمت یک تقسیم‌بندی اساسی در فلسفه، سوق پیدا می‌کند. سپس بخش اصلی فلسفه، یعنی فلسفهٔ اولی به بحث گذاشته می‌شود. بعد از تبیین «فلسفهٔ اولی»، بار دیگر دانش‌آموزان به فعالیت اول بازمی‌گردند و گزاره‌هایی را که از جنس فلسفهٔ اولی هستند مشخص می‌کنند. بعد از آن دبیر دربارهٔ شاخه‌های فلسفه یا فلسفه‌های مضاف با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کند. پس از آن نیز بار دیگر دانش‌آموزان به فعالیت ابتدای درس برمی‌گردند و عبارتهای مربوط به فلسفه‌های مضاف و شاخهٔ ویژهٔ هر عبارت را مشخص می‌سازند.

مواجههٔ دانش‌آموزان با عبارتهای فلسفی و اظهارنظر آنها

تبیین بخش اصلی فلسفه (فلسفهٔ اولی)

بررسی مجدد فعالیت اول برای تصحیح دیدگاه‌ها

تبیین شاخه‌های فلسفه (فلسفه‌های مضاف)

بررسی مجدد فعالیت اول بر تصحیح دیدگاه‌ها

### پیش‌دانسته‌ها و اصطلاحات

در این درس دو اصطلاح اساسی مطرح شده است :

۱- فلسفهٔ اولی: این نام‌گذاری براساس تقسیم‌بندی ارسطویی از فلسفه است که فلسفهٔ نظری به فلسفهٔ اولی یا علیا و فلسفهٔ وسطی و فلسفهٔ سُفلی تقسیم می‌شود.

می‌دانیم که نزد ارسطو و فیلسوفان اسلامی و تا قبل از دورهٔ جدید در اروپا، فلسفه به معنای «دانش» بود. لذا کُل دانش یا فلسفه را تقسیم می‌کردند به:

فلسفهٔ نظری یا حکمت نظری؛ یعنی دانش‌هایی که دربارهٔ حقایق عالم و بود و نبود اشیا، و به اصطلاح امروز، دربارهٔ هست‌ها و نیست‌ها بحث می‌کنند. قضایای فلسفهٔ نظری از نوع قضایای خبریه است. فلسفهٔ نظری عبارت است از علم به احوال اشیا آنچنان که هستند یا خواهند بود.

این شاخه از فلسفه، خود به سه شاخه تقسیم می‌شود: فلسفهٔ اولی یا علیا یا الهیات، که شامل مباحثی می‌شود که شناخت خاص فلسفی به معنای امروزی هستند، مانند، واجب و ممکن، قوه و فعل، علت و علت و معلول و قدیم و حادث،

البته به دلیل اینکه در قدیم تفکیکی میان مباحث بنیادی فلسفه، یعنی همان امور عامه (اصل رئالیسم، واجب و ممکن، قوه و فعل و علت و معلول...) با اموری که امروزه فلسفه‌های مضاف هستند، صورت نمی‌گرفت، همه تحت عنوان فلسفهٔ اولی یا الهیات قرار می‌گرفتند. برای نمونه، کتاب «الهیات» شفا ی ابن سینا که بخش فلسفهٔ شفاست. هم شامل مسائل مربوط به امور عامه است و هم شامل مسائلی که امروزه فلسفه‌های مضاف نامیده می‌شوند. اما در این کتاب همین الهیات خود به دو بخش اصلی و فرعی یا ریشه‌ای و شاخه‌ای تقسیم شده است: «فلسفهٔ اولی» و «فلسفه‌های مضاف».

فلسفهٔ عملی یا حکمت عملی، یعنی دانش‌هایی که دربارهٔ افعال اختیاری انسان و باید‌ها و نباید‌های زندگی وی سخن می‌گوید و قضایای آن از جنس قضایای انشایی هستند. به عبارت دیگر، حکمت علمی عبارت است از علم به تکالیف و وظایف انسان.<sup>۱</sup>

۲- فلسفه‌های مضاف؛ که همان شاخه‌های فلسفه است، مقصود شاخه‌ای از فلسفه است که به مسائل بنیادی بخش خاصی از وجود می‌پردازد. و چون به آن بخش خاص از وجود اضافه می‌شوند به آنها فلسفه‌های مضاف می‌گویند. مثلاً وقتی مسائل بنیادی حقیقت علم مورد بحث قرار می‌گیرد، فلسفهٔ علم ساخته می‌شود. وقتی دربارهٔ مسائل بنیادی حقیقت زیبایی بحث می‌شود. فلسفهٔ زیبایی یا فلسفهٔ هنر ساخته می‌شود و آنگاه که دربارهٔ فعل اخلاقی و مسائل بنیادی آن سخن می‌رود، «فلسفهٔ اخلاق» شکل می‌گیرد. و نیز آنگاه که دربارهٔ مسائل بنیادی طبیعت و فیزیک صحبت می‌شود، «فلسفهٔ فیزیک» یا «فلسفهٔ طبیعت» پدید می‌آید.

**نکته مهم:** در کتاب درسی قبل، بحثی دربارهٔ رابطهٔ فلسفه با علوم طبیعی و روان‌شناسی و مانند آنها صورت می‌گرفت.

برخی دیران انتظار دارند که آن بحث مجدداً تکرار شود. اما با توجه به آمدن مباحث فلسفه‌های مضاف در این کتاب، تکرار آن بحث‌ها منتفی است. در کتاب درسی قبل فلسفه‌های مضاف مطرح نمی‌شد. چون

۱- آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، جلد ۴ (حکمت عملی)، ص ۸.

قبلاً در کشور ما این مباحث گسترش نیافته و فراگیر نشده بود. اما امروزه فلسفه‌های مضاف گسترش زیادی پیدا کرده و حتی به صورت رشته‌های تخصصی درآمده و در دانشگاه‌ها رشته‌هایی مانند «فلسفه منطقی، فلسفه فیزیک، فلسفه علم و فلسفه علوم اجتماعی» تأسیس شده است.

فلسفه‌های مضاف، خود گویای آن هستند که «فلسفه» ارتباط اساسی با دیگر علوم دارند و ما در کتاب‌های سال‌های یازدهم و دوازدهم برخی از این فلسفه‌های مضاف را طرح می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چگونه مسائل بنیادی علوم ریشه در تفکر فلسفی دارد و هر دیدگاه فلسفی تأثیر خاص خود را بر هر رشته‌ای از دانش دارد. و این نکته‌ای بسیار مهم و حائز اهمیت است که کم‌توجهی به آن خطاهای زیادی به دنبال دارد. به عبارت دیگر:

هر مکتب فلسفی در فلسفه اولی شکل خاصی از فلسفه‌های مضاف را رقم می‌زند. هر فلسفه مضافی جهت‌گیری خاصی به صاحبان آن فلسفه در آن رشته علمی خاص می‌دهد.

مثال: کسی که در مکتب فلسفی خود معتقد به خداست و به عالم ماوراءالطبیعه اعتقاد دارد، می‌تواند انسان را مرکب از روح الهی و جسم بداند و در نتیجه، می‌تواند از اخلاق الهی یا پشتوانه الهی در فلسفه اخلاق سخن بگوید.

بنابراین، رابطه فلسفه با علوم، در این کتاب و کتاب سال دوازدهم در چارچوب فلسفه‌های مضاف بیان شده و نیازی به طرح جداگانه ندارد.

## نکات آموزشی و مسیر تدریس

### ۱- فعالیت دسته‌بندی

در ابتدای تدریس، از دانش‌آموزان می‌خواهیم که فعالیت دسته‌بندی را انجام دهند. به آنها می‌گوییم هر یک از شما براساس معیار مشخص شده گزاره‌های کلی را در ستون اول و گزاره‌های دیگر را در ستون دوم قرار دهند.

به آنها یادآوری می‌کنید که فقط براساس همین معیار، تقسیم‌بندی را انجام دهند. توجه: در این مرحله درباره بنیادی‌ترین مسائل فلسفی و یا فلسفه اولی با دانش‌آموزان صحبت نمی‌کنیم.

براساس معیار کلیت:

گزاره اول، چون فقط درباره انسان است، کلی‌ترین نیست.

گزاره دوم، چون درباره هستی است، کلی‌ترین است.

گزاره سوم، چون درباره ماهیت حکومت است، کلی‌ترین نیست.

گزاره چهارم، چون درباره حقیقت زندگی انسان است، کلی‌ترین نیست.

گزاره پنجم، چون درباره ماهیت تاریخ انسان است، کلی‌ترین نیست.

گزاره ششم، می تواند محلّ تأمل بیشتر باشد. این گزاره، همان اصل رئالیسم در معرفت شناسی است. اصل رئالیسم می گوید انسان توانایی درک حقایق را فی الجمله دارد.

این اصل، از یک طرف، یک اصل کلی و عام است و هر حقیقتی را فی الجمله در برمی گیرد. یعنی انسان بما هو انسان می تواند به قدر توان و ظرفیت بالفعل خود هستی و نظام جهان را بشناسد. از طرف دیگر، این اصل مربوط به انسان است و نه همه موجودات جهان. لذا کلی ترین نیست.

گزاره هفتم، چون درباره ماهیت اخلاق در انسان است، کلی ترین نیست.

گزاره هشتم، چون درباره همه موجودات، حتی خداوند است، کلی ترین است.

گزاره نهم، چون درباره همه موجودات جهان، حتی خداوند است، کلی ترین است.

## ۲- تبیین فلسفه اولی

با انجام فعالیت قبل، توجه دانش آموزان به این موضوع جلب شده که برخی گزاره های بنیادین بسیار کلی و عام و فراگیر هستند و برخی دیگر گرچه مسئله های اساسی و بنیادین اند، اما مربوط به برخی حقایق می شوند.

با توجه به این آمادگی، آنان را به تعریف فلسفه اولی که بنیادی ترین و عام ترین مفاهیم و مسائل را شامل می شود، نزدیک می کنیم.

به آنان توضیح می دهیم که «وجود» عام ترین موضوعی است که انسان می تواند درباره آن بیندیشد و قواعدهش را به دست آورد.

و این توضیح مهم را نیز اضافه می کنیم که: هر قانون و قاعده ای که ما درباره حقیقت وجود به دست آوریم، درباره هر موجودی صادق است. زیرا هر موجودی مصداقی از حقیقت وجود است. مثلاً اگر این قاعده را به دست آوردیم که هر موجودی یا علت است یا معلول، نمی توانیم موجودی در زمین یا آسمان یا کرات دیگر بیابیم که نه علت باشد و نه معلول. زیرا قبلاً گفته ایم که «هر موجودی چنان است» و هرچه که بیابیم، مصداقی از «هر موجود» است.

بیشتر بدانیم: در حاشیه کتاب برای تقریب به ذهن یک مثال ذکر شده است در این مثال، مفهوم مثلث، متناظر با مفهوم فلسفه اولی قرار داده شده و مفهوم مثلث متساوی الساقین و متساوی الاضلاع و قائم الزاویه، متناظر با فلسفه های مضاف

فلسفه اولی ↔ مثلث

فلسفه های مضاف ↔ انواع فلسفه

نکته: همان طور که گفتیم، به علت عدم گسترش فلسفه های مضاف در قدیم، فلاسفه متقدم مثل افلاطون و ارسطو و ابن سینا و حتی دکارت، هیوم و کانت در دوره جدید، تمام فلسفه را تحت همان عنوان فلسفه اولی یا مابعد الطبیعه یا الهیات ذکر می کردند و مسائل مربوط به فلسفه طبیعت یا معرفه النفس را به عنوان

بخشی از همان فلسفه اُلی ذکر می‌کردند. اما با گسترش فلسفه‌های مضاف در زمان حاضر، می‌توان این تقسیم‌بندی را انجام داد که آنچه مربوط به «امور عامه فلسفی» است ذیل فلسفه اُلی قرار بگیرد و آن دسته از مسائل فلسفی که مربوط به طبیعت یا انسان یا علم و نظایر آن است، ذیل فلسفه‌های مضاف درآید. البته فلاسفه اسلامی در یک ابتکار جالب پایه‌گذار این تقسیم‌بندی بوده‌اند. مثلاً مرحوم حاج ملا هادی سبزواری در شرح منظومه خود «امور عامه» را تحت عنوان «الهیات بالمعنی الاعم» قرار می‌دهد. و امور مربوط به خداشناسی را که اختصاص به وجود خاص واجب‌الوجود دارد، تحت عنوان «الهیات بالمعنی الاخص» می‌آورد و بدین ترتیب فلسفه را به دو بخش تقسیم می‌کند.

### ۳- فعالیت بررسی

بعد از تبیین «فلسفه اُلی» بار دیگر دانش‌آموزان به فعالیت ابتدای کتاب برمی‌گردند تا با توجه به آموخته‌های خود گزاره‌هایی را که مربوط به «فلسفه اُلی» است، مشخص کنند و کار خود را ارزیابی کنند و ببینند که در مرتبه قبل تا چه اندازه متوجه این ویژگی گزاره‌ها شده‌اند. هر کدام از دانش‌آموزان که در فعالیت قبل، کلی‌ترین گزاره را درست تشخیص داده باشد، همان موارد را باید به عنوان گزاره‌های مربوط به فلسفه اُلی قرار دهند.

### ۴- انجام فعالیت پرسش

در اینجا از دانش‌آموزان می‌خواهیم که سؤال‌هایی طرح کنند که مربوط به کل هستی و وجود بما هو وجود باشد. البته در این سؤال‌سازی، آنان بی‌خواهند برد که سؤالات محدود، اما بسیار مهم، در این باره هست که فلاسفه از ابتدای تاریخ فلسفه تاکنون، کمابیش به همان‌ها توجه کرده‌اند.

سؤال‌هایی مانند: آیا هستی همیشه بوده یا آغازی دارد؟

آیا زمان ابتدا و انتهای دارد؟

آیا علاوه بر جهان طبیعت، جهان‌های دیگری داریم؟

کامل‌ترین موجود چه ویژگی و صفاتی دارد؟

آیا ما می‌توانیم تمام هستی را درک کنیم؟

از جمله سؤال‌هایی است که در فلسفه اُلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۵- بحث درباره شاخه‌های فلسفه یا فلسفه‌های مضاف

بحث درباره فلسفه‌های مضاف، امروزه بسیار اهمیت دارد. زیرا پاسخ به یکی از نیازهای اساسی امروز جامعه ماست. به عبارت دیگر، اگر ما بتوانیم از فلسفه اُلی به فلسفه مضاف برسیم، می‌توانیم به این پرسش مهم که «فلسفه چه کاربردی در زندگی ما دارد؟» و «چگونه می‌توانیم از فلسفه استفاده عملی کنیم»، پاسخ



مناسب دهیم.

قابل انکار نیست که فلسفه‌های غربی، به خصوص فلسفه‌های تجربه‌گرا و پوزیتیویستی و ماتریالیستی، آثار عملی خود را در فرهنگ، سیاست، اقتصاد و به خصوص تربیت نشان داده و کاربرد عملی در زندگی فردی و اجتماعی غرب پیدا کرده است.

یکی از دلایل تأثیر کردن فلسفه‌های غربی در زندگی و نظام اجتماعی، همین شکل‌گیری فلسفه‌های مضاف است. عدم رشد فلسفه‌های مضاف در فلسفه اسلامی یکی از نقص‌های این فلسفه است که باید در عصر حاضر بدان توجه جدی نماییم.

اگر کتاب‌های متعدد در فلسفه هنر، فلسفه تربیت، فلسفه اخلاق و سایر فلسفه‌های مضاف، براساس فلسفه ابن‌سینا یا صدرالمتألهین نوشته شود (که البته قدم‌هایی در این زمینه برداشته شده) و به تدریج فراگیر گردد، در آن صورت می‌توانیم به گسترش هنر یا تربیت یا اخلاق بر مبنای فلسفه اسلامی امیدوار باشیم. همچنین می‌توانیم مثلاً در هنگام تدریس فلسفه هنر، همراه سایر مکاتب فلسفی، فلسفه هنر اسلامی را هم آموزش دهیم. پس به میزانی که امروز بتوانیم فلسفه‌های مضاف اسلامی را گسترش دهیم، می‌توانیم به تأثیر فلسفه اسلامی در متن زندگی و فرهنگ کمک کنیم و آشنایی دانش‌آموزان با این فلسفه‌های مضاف، زمینه توجه و توسعه آنها را فراهم می‌کند.

در جدول زیر مهم‌ترین مسئله‌های مربوط به برخی از فلسفه‌های مضاف ذکر شده تا دانش‌آموزان آشنایی بیشتری با مسائل فلسفه‌های مضاف پیدا کنند.

فلسفه‌های مضاف	مسائل
فلسفه اخلاق	اصول اخلاقی نسبی‌اند یا مطلق؟ اصول و قواعد اخلاقی ارزش ذاتی دارند یا صرفاً وسیله‌ای برای کنترل زندگی اجتماعی است؟ آیا قواعد اخلاقی ریشه در فطرت انسان دارد؟
فلسفه هنر و زیبایی	زیبایی چیست؟ آیا می‌توان برای زیبایی تعریفی ارائه کرد؟ آیا زیبایی منحصر در زیبایی مادی است؟ آیا چیزی هست که همه مردم آن را زیبا بدانند یا زیبایی یک امر نسبی است؟
فلسفه دین	دین چیست؟ آیا هر نوع سلوک معنوی، مصداقی از دین است؟ آیا زبان دین و وحی مانند زبان عادی است یا یک زبان سمبلیک است؟ اصولاً امر مقدس چگونه چیزی است؟

۱- در دهه پنجاه متفکر شهید به فلسفه‌های مضاف توجه جدی کرد و مباحث فراوانی را در حوزه فلسفه‌های مضاف مطرح کرد. از جمله در فلسفه اخلاق و فلسفه تاریخ و فلسفه جامعه‌شناسی درس‌هایی ارائه داد و کتاب‌هایی تألیف نمود. در سال‌های اخیر نیز برخی متفکران و نویسندگان اسلامی در فلسفه علم، فلسفه هنر، فلسفه تربیت کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند.

فلسفه تاریخ چه قواعدی بر حرکت تاریخی جوامع حاکم است؟ عامل اصلی تحولات اجتماعی چیست؟ اقتصاد؟ فرهنگ؟ ... آیا تاریخ سیر تکاملی دارد؟
--

## ۶- توضیح درباره یک تجربه

در اینجا، از طریق یکی از شاخه‌های فلسفه‌های مضاف، تأثیر فلسفه در علوم توضیح داده شده است. همان‌طور که می‌دانیم، مکاتب مختلفی در علوم تربیتی هست که هر کدام ریشه در یک مکتب فلسفی خاص دارد. به عبارت دیگر، از فلسفه‌های افلاطون، ابن سینا، کانت و دیگر فیلسوفان، فلسفه تربیت ویژه‌ای پدید می‌آید و براساس آن، نظام تربیتی خاص حاصل می‌شود.

مثلاً مکتب تربیتی رفتارگرا برخاسته از دیدگاه اگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم است که مکتب فلسفی موسوم به «مکتب تحصیلی» را بنیاد نهاد. او در فلسفه خود معتقد بود که شناخت و معرفتی ارزشمند است که از طریق حس و تجربه به دست آمده باشد. و اموری را می‌توان اثبات کرد که مشاهده‌پذیر باشند. این دیدگاه او تأثیر فراوانی در روان‌شناسی و تربیت داشت و به نوعی روان‌شناسی منجر شد که تنها بر چیزهایی که می‌توانست دیده، شنیده و یا لمس گردد، متمرکز بود.

## ۷- انجام فعالیت دسته‌بندی

بار دیگر دانش‌آموزان به فعالیت ابتدای درس بازمی‌گردند تا روی گزاره‌هایی که در دسته «فلسفه اولی» قرار نداده بودند، تفکر کنند و مشخص کنند که هر گزاره‌ای مربوط به کدام فلسفه مضاف است.

گزاره اول: فلسفه اجتماع یا فلسفه جامعه‌شناسی

گزاره سوم: فلسفه سیاست

گزاره چهارم: انسان‌شناسی، فلسفه انسان

گزاره پنجم: فلسفه تاریخ

گزاره ششم: معرفت‌شناسی

گزاره هفتم: فلسفه اخلاق

## ۸- انجام فعالیت به‌کار ببندیم

یکی از فلسفه‌های مضاف فلسفه فیزیک است. امروزه کتاب‌های زیادی در این شاخه فلسفه نوشته می‌شود<sup>۱</sup> تا رابطه فیزیک با فلسفه و دیدگاه‌های موجود در فلسفه فیزیک را تبیین کنند. مسائل مانند قابل

۱- به کتاب‌های فیزیک و فلسفه تألیف جی، اچ جینز از مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، کتاب علم و الهیات ترجمه ابوالفضل حقیری از مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر و کتاب در جست‌وجوی خدا تألیف جان هاتون از انتشارات آستان قدس رضوی مراجعه کنید.

شناخت بودن طبیعت، درستی روش تجربه و آزمایش و کاربرد آن در طبیعت، یکسان عمل کردن طبیعت، تبعیت موجودات طبیعی از اصل علیت و به خصوص اصل حرکت و اصل جسم و موجود طبیعی در فلسفه طبیعت و فیزیک قابل اثبات و فیزیک به اثبات طبیعت نمی پردازد. بلکه آن را مفروض می گیرد و به مسائل پیرامون فیزیک می پردازد.

قضایای همچون:

من مطمئن هستم که اگر دستم را در آتش بگیرم، می سوزد،

همه فلزات در همه جا در اثر حرارت منبسط می شوند،

هنگامی که آب در صد درجه به جوش نیاید، احتمالاً در آب مواد ناخالصی وجود دارد، قضایای علمی و فیزیکی است که با یک پشتوانه فلسفی بیان شده اند. مثلاً در قضیه اول از رابطه علیت که هر پدیده ای علتی دارد و نیز سنخیت علیت که از هر علتی معلول خاصی پدید می آید استفاده شده است.

## ۹- فعالیت پژوهش

این فعالیت برای سوق دادن برخی دانش آموزان به تحقیق و مطالعه کتاب های غیردرسی است. اگر در این میان، حتی یک دانش آموز هم اقدام کند و مقاله ای را که در مجله ای یا شبکه ای یافته یا توسط معلم به او معرفی شده، بخواند، همین یک مورد هم ارزشمند است و گامی به جلو محسوب می شود. سخنرانی دکتر مهدی گلشنی تحت عنوان «نقش مهم فلسفه در فیزیک» برای ارائه در کلاس مناسب است.

## نکات قابل ارزشیابی

- توانایی در انجام دسته بندی ابتدای درس

- تعریف فلسفه اولی

- توضیح برخی گزاره های مربوط به فلسفه اولی و ریشه ای بودن آنها

- استفاده از مثال «بیشتر بدانیم» در تعیین جایگاه فلسفه اولی\*

- توانایی انجام فعالیت بررسی ص ۱۳

- توانایی انجام فعالیت طرح پرسش

- استفاده از «بیشتر بدانیم» در توضیح جایگاه فلسفه اولی\*

- تبیین رابطه فلسفه اولی و فلسفه های مضاف

- ذکر مثال برای برخی از فلسفه های مضاف

- انجام فعالیت «دسته بندی»

- اعلام نظر درباره فعالیت «به کار بیندیم»

### آغاز تاریخی فلسفه

هدف کلی: توانایی گزارش از چگونگی شکل‌گیری فلسفه در تاریخ انسان

شایستگی‌هایی که باید کسب شود:

- ۱- توانایی توضیح درباره نامشخص بودن ابتدای تاریخی فلسفه
- ۲- گزارش از برخی فیلسوفان اولیه
- ۳- توضیح درباره دیدگاه فیلسوفان اولیه از عنصر اولیه جهان.

#### طراحی آموزشی درس

این درس گزارشی از آغاز تاریخی فلسفه است؛ لذا جنبه گزارشگری و تاریخی آن بر جنبه تبیینی و استدلالی آن غلبه دارد.

درس با جمله‌ای منسوب به هراکلیتوس آغاز شده تا نشان دهد که این جمله تأمل‌برانگیز، یکی از جملات بسیار قدیمی و مربوط به دوره آغازین فلسفه است و توجه دانش‌آموز به این نکته جلب شود که مطالعه تاریخ فلسفه یا هر علم دیگری صرفاً برای کسب اطلاعات نیست. این مطالعه فواید متعددی دارد؛ از جمله این فواید آموزه‌های عمیقی است که از لابه‌لای سخن اندیشمندان ارائه شده است.

جمله‌ای از یک فیلسوف قدیمی

آغاز تمدن و آغاز فلسفه

اولین فیلسوفان

یکی از مسئله‌های مهمی که فیلسوفان اولیه به آن می‌پرداختند

پس از این جلب توجه، نامشخص بودن شروع فلسفه مورد بحث قرار گرفته و در قسمت «بیشتر بدانیم»

توجهی به حکمای ایران باستان شده است.

پس از آن پنج تن از اولین فیلسوفان یونان معرفی شده‌اند. آنگاه مهم‌ترین مسئله‌ای که برای فیلسوفان

اولیه مطرح بوده و به اظهار نظر درباره آنها می‌پرداخته‌اند طرح شده و دیدگاه برخی فیلسوفان اولیه درباره آن مسئله بیان گردیده است.

نکات آموزشی و مسیر تدریس

۱- طرح یک جمله فلسفی

درس، با طرح یک جمله فلسفی از فیلسوفان باستان آغاز می‌شود. جمله‌ای که در کتاب آمده، جمله مشهور هراکلیتوس است که درباره اصل حرکت در جهان و اینکه همه اشیا عالم در حرکت است، بیان شده. ما می‌توانیم نمونه‌های دیگری هم ذکر کنیم، مانند:

دموکریتوس می‌گوید: در سختی و رنج به وظیفه اندیشیدن، از بزرگی است. پارمنیدس می‌گوید: تو نمی‌توانی بر آنچه نیست آگاه شوی؛ این امری محال است و نیز نمی‌توانی آن را بیان و توصیف کنی؛ زیرا هر چه بتواند به اندیشه درآید، می‌تواند باشد.

سقراط می‌گوید (در آخرین لحظه زندگی): «هر چه می‌کنم که کریتون (یکی از اطرافیان سقراط) باور کند که لاشه سقراط، سقراط نیست، موفق نمی‌شوم و شاید هنوز تصور می‌کند که همه این سخنان که در اثبات نامیرندگی روح گفتیم، برای آرام ساختن شما (پاران سقراط) بوده است. خواهش می‌کنم کاری کنید که کریتون نیز به این موضوع معتقد شود.»

سقراط می‌گوید: «داناترین شما آدمیان، کسی است که بداند که هیچ نمی‌داند.»

## ۲- توضیح درباره تکوین تدریجی فلسفه

در ابتدای این بحث خوب است، دانش آموزان با روند تدریجی تمدن و فرهنگ و نیز اجزای تمدن‌ها و فرهنگ‌ها آشنا شوند و متوجه شوند که هیچ تمدنی نمی‌تواند مدعی شود که او آغازگر مثلاً پزشکی یا ریاضیات یا فلسفه بوده است.

مثلاً در فلسفه، سؤال‌های فلسفی به تدریج پیدا شده و از قومی و ملتی به قوم و ملت دیگر منتقل شده است.

آری دو نکته را در اینجا باید مورد توجه قرار داد:

تمدن‌های قدیمی‌تر می‌توانند در برخی از جنبه‌های تمدنی بر تمدن‌های بعدی تأثیر گذاشته باشند؛ البته به شرط برقراری ارتباط. به طور مثال، اگر آثاری به دست آید که نشان دهد در دوره پیشدادیان و کیانیان ایران باستان که مربوط به هزاره دوم و اول قبل از میلاد می‌شود، مسائل فلسفی و حکمی مطرح بوده و حکمایی در این مسائل تأمل و تفکر کرده‌اند، حق تقدیمی برای ظهور فلسفه در ایران باستان نسبت به یونان پیدا می‌شود.<sup>۱</sup> سهروردی از فیلسوفان بزرگ اسلامی است که معتقد است در ایران باستان حکمت اشراقی و نوری رواج داشته و این حکمت مطابق با حکمت اسلامی بوده است.<sup>۲</sup>

نکته دوم اینکه رشد فوق‌العاده فلسفه و حکمت در منطقه‌ای از آسیای صغیر و انتقال آن به یونان و ظهور فیلسوفان بزرگی در یونان و باقی ماندن آثار آنان، سهم بی‌ظنیر یونان در تکوین فلسفه را غیر قابل انکار می‌سازد.

## ۳- گزارشی از اولین فیلسوفان

۱- حکمت خسروانی، مجموعه مقالات دکتر دینانی و حکمت خسروانی تألیف هاشم‌زهی

۲- شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، دکتر غلامحسین دینانی، انتشارات حکمت.

بهرتر است که گزارش، با نام «هرمس» شروع شود که در قسمت بیشتر بدانیم، درباره‌ی وی نکاتی ذکر شده است. سهروردی که حکمت شهودی را از کیانیان می‌داند، معتقد است که هرمس بر کیانیان نیز مقدم است و کیانیان حکمت را از وی گرفته‌اند.<sup>۱</sup> ملاصدرا نیز درباره‌ی هرمس می‌گوید:

«اعلم ان الحكمة نشأت أولاً من آدم صفي الله و عن ذريته شيث و هرمس اعنى ادريس و عن نوح لان العالم ما خلا قط عن شخص يقوم به علم التوحيد و المعاد و ان هرمس الاعظم هو الذاي نشرها في الاقاليم و البلاد و اظهرها و افاضها على العباد و هو ابو الحكماء و علامة العلماء اشركنا الله في صالح دعائه»

از نخستین فیلسوفان یونانی، تالس است که در آسیای صغیر (ترکیه فعلی) متولد شده است. فیثاغورس و گزوفانس هم متولد آسیای صغیر هستند.

یعنی منطقه‌ی ماط (میلتوس) در آسیای صغیر، قبل از آن محل ظهور فلسفه بوده است. اما با توسعه‌ی آن بیشتر این حکما به آن مهاجرت می‌کنند.

علاوه بر «هرمس» که در حاشیه‌ی آن وی سخن رفته است، در اینجا، از تالس، فیثاغورس، گزوفانس، هراکلیتوس و پارمنیدس ذکر مختصری شده است.

خوب است از دانش‌آموزان بخواهیم گزارشی در حدود یک صفحه از هر یک از این فیلسوفان ارائه کنند. کتاب تاریخ فلسفه کاپلستون، جلد اول، منبع مناسبی برای تهیه این گزارش است.

#### ۴- انجام فعالیت تفکر

این فعالیت برای توجه به عمق جملات فیلسوفانه است. جمله‌ی اول در حوزه حکمت نظری است. هراکلیتوس جهان را متحرک می‌داند. در حالی که در نزد فیلسوفان قدیم، بسیاری از اجزا و عناصر عالم طبیعت ثابت بوده‌اند.

جمله‌ی دوم مربوط به حکمت عملی است که البته ریشه در انسان‌شناسی این حکیم دارد. رشد انسان در متن سختی‌ها و رنج‌ها میسر است. روح و بدن انسان، هر دو، با مبارزه‌ی با سختی‌هاست که رشد می‌کند.

این قاعده در فلسفه ملاصدرا، تحت عنوان تضاد و تراحم در عالم طبیعت<sup>۲</sup> و در اصطلاح قرآنی تحت عنوان ابتلاء و امتحان و «ان مع العسر یُسرا» مطرح شده است.

#### ۵- بیان نظر فیلسوفان درباره یک مسئله قدیمی

از قدیم، این سؤال مطرح بود که: ماده اولیه این جهان چه بوده؟ این موجودات از چه ساخته شده‌اند؟

۱- به نشریه «تاریخ فلسفه» مقاله‌ای از آقای امیری تحت عنوان «هرمس الهرامسه، طرحی برای تطبیق دین، اسطوره و فلسفه» مراجعه شود. چکیده مقاله چنین است: هرمس که در متون دینی به اخنوخ و ادریس و در اسطوره به تات و هوشنگ شهرت دارد، از اولین انبیاء و نزد برخی، مؤسس بسیاری از علوم و حکمت نیز می‌باشد... در این مقاله ابتدا هرمس در متون دینی بررسی می‌شود و به شباهت‌های ادریس و اخنوخ اشاره می‌گردد. سپس هرمس، هوشنگ و تات در اسطوره‌های یونان، ایران و مصر بررسی می‌شود و هویت، هم‌زمانی و نقش‌های یکسان آنها بیان می‌گردد و در آخر با استفاده از متون هرمسی و فلسفی به اندیشه‌هایی اشاره می‌شود که خاستگاه تفکر بشر را بیان می‌نماید.

۲- ملاصدرا: لولا التضاد ماصح دوام الفيض عن المبدأ الجواد (اسفار، ج ۳، چاپ قدیم، ص ۱۱۷)

در واقع، مردم همواره با ترکیبات روبه‌رو شدند و از آنها استفاده می‌کردند. درختان و حیوانات اموری مرکب هستند که خود از اجزایی ساخته شده‌اند. آن اجزا نیز از اجزایی پدید آمده‌اند. این سؤال مطرح بوده که اجزای بنیادین و اولیه این جهان چیست؟ همان‌طور که امروزه نیز این سؤال مطرح شده است. در اینجا چند نکته قابل طرح است و خوب است ما معلمان به آنها توجه داشته باشیم:

اولاً آیا این یک سؤال فلسفی است یا علمی؟

تحقیق در عناصر اولیه طبیعت یک سؤال علمی است و معمولاً در علوم فیزیک و شیمی به آن پاسخ داده می‌شود؛ به طور مثال، در دوره معاصر این نظر داده شد که عناصر اولیه جهان، آب و خاک و آتش و باد نیست، بلکه حدود صد و چند عنصر تشکیل دهنده عناصر اولیه هستند که در «جدول مندلیف» مشخص شده‌اند. البته فیزیک‌دانان توضیح داده‌اند که همین عناصر، خود از اجزایی به نام «اتم» تشکیل شده‌اند و اتم‌ها نیز از دو جزء الکترون و پروتون ساخته شده‌اند.

امروزه نظرات دقیق‌تری درباره اتم و تبدیل ماده به انرژی، ماده تاریک، ضد ماده و مانند آن داده شده که دیدگاه فیزیک‌دانان درباره حقیقت اتم و اجزای اولیه جهان را دگرگون می‌کند.

ثانیاً اگر سؤال از عنصر اولیه فلسفی نیست، سؤالات فلسفی مربوط به فیزیک و طبیعت کدام‌اند؟ سؤالات فلسفی مربوط به طبیعت، آنجا شکل می‌گیرد که در تقسیم‌بندی وجود، به وجود جسمانی می‌رسیم.

تمایز جوهر جسمانی از غیر آن، ماده و صورت، حقیقت حرکت، علت وجود حرکت در جسم، تکامل در طبیعت، ثبات و تغییر در طبیعت، حرکت در جوهر و حرکت در اعراض از موضوعاتی است که در فلسفه طبیعت می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد.

## ۶- فعالیت تفکر

در این فعالیت، سه سؤال مطرح شده است.

سؤال اول تا سوم پیرامون این است که چرا فیلسوفان اولیه این گونه به این سؤال پاسخ داده‌اند؟ درباره پاسخ فیلسوفان اولیه به این سؤال که «ماده اولیه جهان چیست؟» دو دیدگاه وجود دارد؛ یکی اینکه فیلسوفان اولیه از ابزار و امکانات تجربی اندکی برخوردار بودند و لذا ماده اولیه جهان را آتش یا آب دانسته‌اند.

دیگر اینکه: این فیلسوفان، حقیقتی را درک کرده بودند که نمی‌توانستند آن را به زبان علمی آن روز بیان کنند و در واقع، از زبان رمزی و سمبلیک استفاده کرده‌اند. فیلسوفان آگزیستانسیالیست، بیشتر چنین نظری دارند. اگر کسی نظر اول را بپذیرد، می‌تواند بگوید که این قبیل پاسخ‌ها درباره ماده اولیه جهان ناشی از دانش اندک آن فیلسوفان بوده است.

اما اگر کسی نظر دوم را بپذیرد، می‌گوید که منظور این فیلسوفان بیان حقیقتی دیگر غیر از ماده اولیه به معنای فیزیکی است؛ مثلاً اگر تالس ماده اولیه جهان را آب قرار داده، بدان جهت بوده که آب علامت حیات و سریان آن در موجودات بوده است؛ یا بدین وسیله این نظر را مطرح کرده که یکی در همه چیز هست. ارسطو

حدس می‌زند که ممکن است این نظر از مشاهده اینکه غذای همه چیزها دارای رطوبت است، و اینکه خود گرما از رطوبت به وجود می‌آید و به وسیله آن زنده نگه داشته می‌شود، سرچشمه گرفته باشد.<sup>۱</sup>

## ۷- فعالیت اندیشه

این فعالیت برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با تفکرات فلسفی فیلسوفان اولیه است. پارمنیدس بر این نظر بوده که «وجود»، یکی بیشتر نیست؛ یعنی، وجود، واحد است و کثرت بردار نیست. بر همین اساس منکر تغییر و حرکت بوده است. اما باید توجه کنیم که مقصود او حقیقتاً چه بوده. آیا او آمدن شب و روز را مشاهده نمی‌کرده؟ و آیا بر طبق همین شب و روز کارهای خود را تنظیم نمی‌کرده است؟ حتماً چنین عمل می‌کرده است. امروزه احتمال می‌دهند که وی مانند بسیاری از عارفان که معتقد به وحدت وجود هستند، چنین اعتقادی داشته و برای تبیین آن، از استدلال فلسفی کمک گرفته است.

کاپلستون، استدلال پارمنیدس را چنین توضیح می‌دهد: «نظریه‌ی وی به اختصار دایر بر این معنی است که وجود، یا واحد، هست و صیورت و تغییر، توهم است، زیرا اگر چیزی به وجود آید، پس یا از وجود به وجود می‌آید، یا از لا وجود.

اگر از وجود به وجود می‌آید، در این صورت قبلاً هست که در این حالت به وجود نمی‌آید (یعنی تحصیل حاصل است) و اگر از لا وجود به وجود می‌آید، در این صورت هیچ چیز نیست، زیرا از هیچ، هیچ چیز به وجود نمی‌آید. بنابراین صیورت توهم است. وجود فقط هست و وجود واحد است.»<sup>۲</sup>

پس فعالیت اندیشه را می‌توان این‌گونه تکمیل کرد:

اگر از لا وجود به وجود آید، در این صورت هیچ چیز نیست، زیرا از هیچ، هیچ چیز به وجود نمی‌آید بنابراین: وجود فقط هست و یکی است.

نقشه‌ای در صفحه ۴۱ آمده است. در این نقشه، یونان، مقدونیه، آسیای صغیر بین‌النهرین و ایران مشخص شده است. این نقشه می‌تواند رابطه ایران، آسیای صغیر و یونان را ملموس‌تر کند.

## ۸- انجام تمرین به کار بندیم

تمرین اول بهتر است با مراجعه به برخی کتاب‌ها، به صورت یک کار پژوهشی درآید. کتاب «دنیای شگفت‌انگیز فلسفه» منبع مناسبی برای این پژوهش است.

سؤال دوم، یک پاسخ منطقی می‌خواهد. هر دیدگاهی وقتی پذیرفته می‌شود که از پشتوانه استدلال برخوردار باشد. حال، اگر از امور تجربی است، باید استدلال تجربی داشته باشد و اگر از امور قیاسی و عقلی است، باید با استدلال قیاسی اثبات شود.

قسمت دوم سؤال نیز یک سؤال و اگر است که ممکن است دانش‌آموزان پاسخ‌های متفاوتی ارائه کنند.

## ۹- فعالیت پژوهش

۱- تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، ص ۲۸ به بعد.

۲- تاریخ فلسفه، کاپلستون، ج ۱، ص ۶۱



برای این فعالیت، خوب است کتاب‌هایی که در تاریخ فلسفه نوشته شده، معرفی شود، مانند تاریخ فلسفه کاپلستون، جلد اول، تاریخ فلسفه ویل دورانت، ماجراهای جاودان در فلسفه، نوشته هانری توماس و دانالی توماس و تاریخ فلسفه امیل بریه.

### مواردی برای ارزشیابی

- ۱- ذکر دلیل اینکه چرا از فیلسوفان یونانی برای آغاز تاریخ فلسفه استفاده شده.
- ۲- نشان دادن جایگاه تالس در فلسفه.
- ۳- بیان دیدگاه کلی فیثاغورس، گزینوفانس، هراکلیتوس و پارمنیدس در فلسفه.
- ۴- توانایی تبیین جمله‌های هراکلیتوس درباره جهان و انسان.
- ۵- بیان دیدگاه‌های فیلسوفان درباره عنصر اولیه تشکیل دهنده جهان.
- ۶- تبیین اینکه آیا این دلایل فلسفی اند یا علمی.
- ۷- توضیح مناسب درباره جمله پارمنیدس.
- ۸- پاسخ درست به فعالیت «به کار بیندیم»
- ۹- انجام فعالیت پژوهش و سایر پژوهش‌های پیشنهادی از جانب دبیر.

## درس چهارم

### فلسفه و زندگی

هدف :

پذیرش این حقیقت که برای اصلاح سبک زندگی ابتدا باید فهم فلسفی اصلاح شود.

شایستگی‌هایی که باید کسب شود

- ۱- درک این واقعیت که سبک زندگی هرکس با فهم فلسفی وی از جهان و انسان گره خورده است.
- ۲- توانایی نشان دادن ارتباط میان تصمیم‌های مهم افراد با دیدگاه‌های فلسفی آنها.
- ۳- درک اهمیت جایگاه فهم فلسفی در زندگی.

طراحی آموزشی درس

این درس با گفت‌گویی میان دو نفر آغاز می‌شود که به دلایل مشخص، دو دیدگاه نسبت به زندگی دارند. یکی به دنبال جمع ثروت در دنیا است و دیگری زندگی با قناعت در ساحلی از دریا را ترجیح می‌دهد. پرسش‌های آخر درس باب ورود به یک بحث فلسفی است و دانش‌آموزان را متوجه می‌کند که چه اتفاقی می‌خواهد در این درس بیفتد.

در قدم بعد، برخی از موضوعات فلسفی که عموم افراد به آنها توجه دارند مطرح می‌شود و نقش آنها در زندگی روزمره بیان می‌گردد.

گفت‌وگویی دو سبک زندگی توجه به ریشه‌های تفاوت در سبک‌های زندگی طرح تمثیل‌ها از افلاطون از زاویه سبک زندگی سپس با ذکر یک مثال از یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان، ضرورت توجه مضاعف به مسئله‌های فلسفی به بحث گذاشته می‌شود و نشان داده می‌شود که عموم مردم، به گونه‌ای ابتدایی وارد مباحث فلسفی می‌شوند زیرا به هر ترتیب، یک دیدگاه فلسفی و البته عامیانه دارند. اما شایسته است انسان تصمیم خود را بگیرد و به‌طور جدی در مباحث فلسفی متفکرانه وارد شود.

در قدم بعد ارزش رسیدن به فهم فلسفی عمیق به بحث گذاشته می‌شود و سه مورد از ثمرات آن یادآوری می‌گردد. و بالاخره در قدم آخر، یکی از آثار تفکر فلسفی که قدم در وادی حیرت است توضیح داده می‌شود. و البته تفاوت حیرت فلسفی با حیرت‌های روزمره هم مشخص می‌گردد.

احصاء فواید بنای سبک زندگی بر فهم عمیق فلسفی حیرت فیلسوفانه و تأثیر آن در زندگی

## نکات آموزشی و سیر تدریس

### ۱- خواندن متن و گفت‌وگوی تاجر و ماهیگیر

بهتر است که متن در ابتدای تدریس توسط دبیر با یک دانش‌آموزی که قبلاً مشخص شده و متن را مرور کرده، با تأمل خوانده شود. این روش، بسیار بهتر از آن است که دانش‌آموزان، خودشان متن را مطالعه کنند، زیرا در این روش به نکات مورد تأمل در گفت‌وگو بیشتر توجه می‌کنند.

### ۲- انجام فعالیت بررسی

در این فعالیت، سه سؤال طرح شده است.

در سؤال اول، دلیل عدم استقبال ماهیگیر از پیشنهاد تاجر درخواست شده است. دانش‌آموزان پاسخ‌های متفاوت و متناقض خواهند داد، مثل اینکه:

– ماهیگیر نمی‌داند که چه آینده خوبی در انتظار اوست.

– ماهیگیر در محدوده خود فکر می‌کند، اما نگاه تاجر جهانی است.

– ماهیگیر به دنبال مادیات نیست و از جمع ثروت خوشش نمی‌آید.

با پاسخ‌هایی که دانش‌آموزان به این سؤال می‌دهند، تکلیف خودشان درباره سؤال دوم را هم روشن می‌کنند. مثلاً:

یکی می‌گوید: ماهیگیر اهل ریسک و فعالیت‌های پرخطر نیست، اما تاجر هست.

دیگری می‌گوید: زندگی برای ماهیگیر خیلی ساده و ابتدایی است، اما تاجر نگاه پیشرفته‌ای به زندگی دارد.

سومی می‌گوید: ماهیگیر می‌داند که تاجر عمرش را برای چیزی تلف کرده است که او از ابتدا آن را در اختیار داشته است و نظرات دیگر.

البته ممکن است صحبت‌های دانش‌آموزان در پاسخ به سؤال اول و دوم نزدیک به هم باشد که البته مشکلی پیش نمی‌آید.

پاسخ به سؤال سوم نیازمند تأملی بیشتر از جانب دانش‌آموزان است. برای اینکه بتوانند متوجه بنیان‌های فکری شوند، کمک دبیر هم ضروری است. ما می‌توانیم با ذکر مثال‌های دیگر آنان را به پاسخ نزدیک کنیم.

در پاسخ به سؤال سوم می‌توان این نظرات را مطرح کرد:

– زندگی، براساس پیشنهاد تاجر یک دور باطل و رسیدن به نقطه اول است.

– برای تاجر، بُعد مادی زندگی و پیشرفت اقتصادی مهم است.

– برای ماهیگیر، زندگی به معنای بودن در کنار دیگران و مهربانی با آنهاست.

– اگر هر کس بخواهد مانند تاجر بیندیشد و عمل کند، ماهی‌های جهان نابود می‌شوند.

– هدف زندگی نزد تاجر یک هدف مادی است؛ از نظر او بشر باید در این راه تلاش کند.

### ۳- طرح برخی باورها و نقش آنها در زندگی

در این قسمت، چند گزاره مهم و اساسی درباره عدالت، مرگ، زیبایی، اختیار، خدا و مانند آن را روی تابلو می‌نویسیم و درباره تأثیر آنها در تصمیم‌گیری‌های خود با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کنیم. مثلاً برخی می‌گویند: مرگ دفتر حیات انسان را برای همیشه می‌بندد.

برخی معتقدند: مرگ دفتر این حیات را می‌بندد و دفتر دیگری را می‌گشاید.

برخی باور دارند: هیچ‌کس در جهان، ناظر بر کار ما نیست و از آنچه در قلب ما می‌گذرد، خبر ندارد.

برخی می‌گویند: هستی یک ناظر حکیم دارد که می‌تواند حق را از باطل به درستی تشخیص دهد. با گفت‌وگو درباره این قبیل جمله و نقش آنها در زندگی، آنان را به جایگاه فهم فلسفی نزدیک‌تر می‌کنیم.

**نکته مهم:** دانش‌آموزان باید متوجه شوند که:

هیچ انسانی نیست که درباره جهان و انسان و اموری مانند مرگ، اختیار، خدا، خیر و شر و نظایر آن نظر نداشته باشد و متناسب با نظر خود در زندگی عمل نکند. اما در اینجا مردم چهار دسته‌اند:

۱- گروهی از مردم نظرات سطحی درباره این امور دارند، که برخی غلط و برخی درست است و به دنبال آن هم نیستند که این نظرات سطحی را عمیق‌کنند و ببینند که در این باره درست فکر می‌کنند یا غلط. به همین جهت، در بسیاری از موارد تصمیم‌های متفاوت و گاه متناقض می‌گیرند.

۲- گروهی از مردم تلاش کرده‌اند که به نظرات عمیق و درستی در این موارد برسند و در مجموع هم موفق شده‌اند. این گروه، معمولاً تصمیمات بهتری در زندگی خود می‌گیرند و بنای استوارتری برای زندگی ساخته‌اند.

۳- گروه سوم کسانی هستند که در مسیر جست‌وجو هستند و هنوز به تصمیم‌گیری نهایی درباره جهان، انسان، خیر و شر، اختیار، مرگ و حیات و مانند آن نرسیده‌اند. این گروه که جست‌وجوگرانی صادق هستند، به میزانی که به حقیقت دست می‌یابند، آنها را در زندگی به کار می‌بندند و پیش می‌روند.

امیر مؤمنان می‌فرماید: «الناس ثلاثة: فعالمٌ ربّانی و مُتعلِّمٌ علی سبیل نجاه و همجٌ رعا ع میملون مع کل ریح...» مردم سه دسته‌اند: «عالم ربّانی (که به حقیقت رسیده است)، شاگردانی که در مسیر حقیقت‌اند و انسان‌هایی که از خود اراده‌ای ندارند و مانند بشرهایی که باد به هر طرف آنها را بکشاند، می‌روند».

دسته چهارمی هم وجود دارند که در عین درک حقیقت، غرق در باطل شده‌اند. می‌دانند ظلم بد است، اما ظلم می‌کنند. می‌دانند خدا هست، اما زیر نگاه او دیگران را فریب می‌دهند و... .

گروه دوم و سوم کسانی هستند که به درجاتی از آزادی در اندیشه رسیده‌اند؛ یعنی بنیان‌های فکری خود را، نه بر اساس گفته دیگران و تقلید از آنها، بلکه براساس منطق و استدلالی که کرده‌اند، بنا نموده‌اند.

#### ۴- انجام فعالیت تفکر

در اینجا، ابتدا سقراط و افلاطون و چایگاه آنها در فلسفه را تا حدودی معرفی می‌کنیم و شخصیت آزاداندیش آنها را توضیح می‌دهیم. سپس گزارشی از تمثیل غار افلاطون بیان می‌کنیم. این گزارش می‌تواند

به صورت‌های زیر باشد :

۱- داستان‌وار توسط دبیر ارائه گردد.

۲- متن کتاب توسط یک دانش‌آموز که از قبل خود را آماده کرده، خوانده شود.

۳- اگر فیلم مستندی وجود دارد، از آن فیلم استفاده شود.

## ۵- انجام فعالیت بررسی

سؤال‌های طرح شده در محدوده اهدافی است که در این درس به دنبال آن هستیم. بنابراین همان‌طور که در پاورقی آمده، نباید همه ابعاد تمثیل غار در اینجا برای دانش‌آموزان

باز شود و بیان گردد.

سؤال‌هایی که در اینجا طرح شده، به آن بخش از داستان می‌پردازد که با درس مرتبط است. سؤال اول به استفاده از تفکر و تعقل، به جای تقلید و دنباله‌روی از دیگران اشاره دارد. انسان‌های عادی درباره شکل زندگی خود و تصمیم‌گیری‌هایی که می‌کنند، نمی‌اندیشند و گرفتار زنجیر عادات خود و آداب و رسوم هستند که جامعه، صحیح یا غلط، بر آنها تحمیل کرده است. حوادث جهان و زندگی نیز آنان را به تأمل و تفکر نمی‌کشاند. اما انسان متفکر، هر برگی که از درخت می‌افتد و هر اتفاقی که پیرامون او رخ می‌دهد، برایش موضوعی برای اندیشیدن است.

اگر بخواهیم از ادبیات قرآنی در اینجا استفاده کنیم، قرآن این گروه را «اولوالالباب» («خردمندان») می‌نامد و در یکی از آیات درباره آنان می‌فرماید: «ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الليل و النهار لآیات لا ولی الا لباب. الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السماوات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار»<sup>۱</sup>

سؤال دوم، پاسخ روشنی دارد. اما طرح آن برای تأثیرگذاری عاطفی و ایجاد انگیزه در مخاطب ضروری است و خوب است که با ذکر مثال‌ها و داستان‌هایی، انگیزه جست‌وجوی حقیقت را در دانش‌آموزان تقویت کنیم و نشان دهیم که رنج بزرگ آدمیان در طول تاریخ حیات خود، رنج نادانی بوده است.

سؤال سوم نیز پاسخ روشنی دارد، اما بحث درباره ابعاد آن و ذکر مثال‌هایی از زندگی خود دانش‌آموزان در برانگیختن آنان به سمت پرسشگری درباره خود و شیوه زندگی خود بسیار مؤثر است.

باید وجوه تشبیه نادانی به زندان و دانایی به رهایی، برای دانش‌آموزان باز شود. نادان، محصور در توهمات خود است.

محدوده دید او بسیار کوچک است. بنابر ضرب‌المثل، تا نوک بینی خود را بیشتر نمی‌بیند. گویا دست‌وپایش بسته است و از انواع حرکت‌هایی که می‌تواند بکند و انواع تصمیم‌هایی که می‌تواند بگیرد، خبر ندارد. به همین جهت، انجام نمی‌دهد.

۱- سوره آل‌عمران آیات ۱۹۰ و ۱۹۱.

آرزوها و اهدافش کوچک و حقیر است.  
بزار دست اطرافیان خود می‌شود و...  
همه این موارد، در انسان خردمند و کسی که درهای حقیقت به رویش گشوده شده، برعکس است.  
اگر بخواهیم با ادبیات قرآنی در اینجا سخن بگوییم، قرآن از همین زنجیرهای عادات  
ناپسند یاد کرده و می‌فرماید:

الذین يتبعون الرسول النبي الامى الذى يجدونه مكتوباً عندهم فى التوراة والانجيل  
يامرهم بالمعروف وينهاهم عن المنكر و يحلّ لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يضع عنهم  
اصرهم و الاغلال التى كانت عليهم فالذين امنو به عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذى انزل معه،  
اولئك هم المفلحون.<sup>۱</sup>

(مؤمنان کسانی‌اند که از این فرستاده، پیامبر امی و درس ناخوانده که اهل کتاب او را  
نزد خود با همین نام و نشان در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند. می‌یابند که  
آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای آنان حلال  
و پلیدها را برای آنان حرام می‌کند و بار گرانیشان را از دوششان برمی‌دارد و بندهای و  
زنجیرهایی را که بر آنان تحمیل شده از آنان فرو می‌گذارد پس کسانی که ایمان آورده و  
او را بزرگ داشته و یاری‌اش کرده‌اند و از قرآن، این کتاب روشنگری که از جانب خدا نازل  
شده و قرین او و گواه راستگویی اوست، پیروی نموده‌اند، آنان نیکبخت خواهند بود.)

## ۶- تبیین زندگی بر پایه فهم فلسفی

در این قسمت باید یک بحث تبیینی درباره فواید تفکر فلسفی ارائه شود.  
در اینجا برخی سوءفهم‌ها وجود دارد که باید به آنها توجه کرد و در لابه‌لای بحث به آنها پرداخت تا  
ذهن دانش‌آموزان به‌طور آزادانه و مستدل درباره آنها بیندیشد. در میان این سوءفهم‌ها، دو مورد از آنها از  
اهمیت ویژه برخوردار است و باید برای آنها پاسخ مناسب آماده کرد:

۱- اگر کسی در مسیر فهم فلسفی دچار یک فلسفه منحرف شود، آیا باز هم تفکر فلسفی ارزشمند  
است؟

۲- اگر فهم فلسفی او با اعتقادات دینی او در تعارض بود، چه باید کرد؟ آیا باید جانب دین را گرفت  
یا فلسفه را؟

برای اینکه سوءتفاهم‌ها برطرف شود، باید به نکات زیر توجه کرد:  
الف) بنا بر برخی دیدگاه‌ها درباره فلسفه، اصولاً فلسفه منحرف‌کننده است. ما به‌طور کلی با این دیدگاه  
مخالف هستیم. همچنین بنا بر برخی دیدگاه‌ها، هیچ مکتب فلسفی مطابق با واقع نداریم، بلکه به‌طور نسبی همه  
مکتب فلسفی می‌توانند حق باشند. با این دیدگاه نیز ما مخالف هستیم.

۱- سورة اعراف، آیه ۱۵۷.

ب) همان‌طور که می‌گوییم راه نجات انسان اعتقاد به دین الهی است و این دین را باید با تحقیق و جست‌وجو به دست آورد، می‌گوییم دربارهٔ مسائل بنیادی زندگی (جهان و انسان) باید به فهم درست فلسفی رسید و همان‌طور که در مسیر رسیدن به دین درست ممکن است انسان دچار اشتباه شود، در مسیر رسیدن به دیدگاه فلسفی درست هم امکان اشتباه هست. اما امکان اشتباه در مسیر رسیدن به دین حق یا فلسفهٔ حق سبب نمی‌شود که انسان از جست‌وجو و طلب بازماند و دست به اقدامی نزند.

ج) از آنجا که توان رسیدن به حقیقت (چه در مورد دین و چه در مورد طبیعت و چه در مورد مسائل بنیادین فلسفی) در انسان وجود دارد، باید از این توان استفاده کرد و هرکس صادقانه در این مسیر گام بردارد، غالباً به حقیقت خواهد رسید.

اگر کسی خالصانه در این مسیر گام بردارد، اما به حقیقت نرسد، حتماً برتر از کسی است که اقدام نکرده و فکر خود را به کار نینداخته است.

د) اگر میان اندیشه‌های فلسفی یک شخص و آموزه‌های دینی وی اختلافی مشاهده شود، برای رفع اختلاف و موضع‌گیری درست در این موارد، دانش‌هایی مانند منطق و علم اصول و علم کلام راه‌حل‌های استدلالی و منطقی ارائه شده که باید از آنها استفاده گردد.<sup>۱</sup>

در این درس سه ثمره از ثمرات داشتن تفکر فلسفی ذکر شده است :

۱- دوری از مغالطه‌ها

۲- استقلال در اندیشه

۳- رهایی از عادات غیرمنطقی

که باید برای هر کدام توضیحاتی داد و با دانش‌آموزان دربارهٔ آنها گفت‌وگو کرد.

۷- انجام فعالیت بررسی

در این بررسی، یکی از دیدگاه‌های رایج غلط نسبت به فلسفه مطرح شده تا ذهن دانش‌آموزان دربارهٔ آن روشن شود. این دیدگاه مبتنی بر یک مغالطه است و آن، سرایت دادن یک حکم جزئی به کل است. از اینکه برخی فیلسوفان کاری به زندگی اجتماعی اطراف خود نداشته‌اند، نمی‌توان نتیجه گرفت که: *اولاً همه فیلسوفان این‌گونه بوده‌اند و ثانیاً این گوشه‌گیری مربوط به فلسفهٔ آنها بوده است.*

برای حل این مغالطه، علاوه بر استدلال منطقی، بهتر است از شواهد و نمونه‌ها هم استفاده شود.

زندگی پرماجرایی فیلسوفانی مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، ابن‌سینا، سهروردی،

ملاصدرا، امام خمینی و مطهری می‌تواند نشان‌دهندهٔ غلط بودن آن نتیجه‌گیری کلی است.

۸- انجام فعالیت تفکر در اندیشه‌ها

کسانی که تفکر فلسفی دارند، به‌طور طبیعی به مرحله‌ای از استقلال در اندیشه می‌رسند؛ یعنی نظرشان

---

۱- برای کسب اطلاع بیشتر به: منزلت عقل در هندسهٔ معرفت دینی از آیت‌الله جوادی، کلام جدید با رویکرد اسلامی از عبدالحسین خسرویناه، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی از دکتر سوزنجی، رابطه علم و دین از آیت‌الله حسن‌زاده، فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه السلام از آیت‌الله جوادی و علم و دین از ایان باربور مراجعه کنید.

تابع نظر دیگران نیست، نه اینکه خودرأی باشند و به سخن دیگران اهمیت ندهند و سخن خوب آنها را نپذیرند؛ بلکه آنان با دلیل یک حقیقت را می‌پذیرند؛ یعنی بدون دلیل تابع نظر دیگری نمی‌شوند و چون نظر خود را با دلیل به دست آورده‌اند، از آن نظر کوتاه نمی‌آیند.

همین امر سبب می‌شود که آنان به نکات عمیق و بدیعی در زندگی فکری خود دست یابند. این نکات نو و بدیع وقتی در قالب جملات ارائه می‌شوند، توجه خوانندگان را جلب می‌کند.

برخی از این قبیل جملات در این فعالیت ارائه شده تا زمینه تفکر و تأمل آنان قرار بگیرد.  
جمله اول: تولد و مرگ در اختیار ما نیست؛ اما فاصله بین آن دو را ما تکمیل می‌کنیم.

برخی نکات کلیدی این جمله:

- ۱- اختیار انسان مطلق نیست و در محدوده خاصی است.
  - ۲- تصمیم‌گیری ما پُرکننده حیات ما از تولد تا مرگ است.
- البته، مرگ تا حدودی در اختیار ماست. رفتار ما برای سلامتی جسم و روح در افزایش عمر مؤثر است. اما بالاخره حوادث فراوانی در مسیر زندگی هست که می‌تواند سبب یک مرگ ناگهانی شوند.
- جمله دوم: هیچ‌کس نمی‌تواند به عقب برگردد و از نو شروع کند، اما همه می‌توانند از حالا شروع کنند.

برخی نکات کلیدی این جمله:

- ۱- گذشته انسان تکرارپذیر نیست. عبور از کودکی و رسیدن به نوجوانی اجباری است و وقتی که نوجوانی آمد، کودکی تکرار نمی‌شود. زمان در گذر است.
- ۲- انسان اختیار گذشته را ندارد. اختیار برای تصمیم‌های جدید است.
- ۳- همواره توانایی تغییر وجود دارد.

سعدی از عدم تکرار گذشته یک پیام اخلاقی ارائه می‌دهد.

مرد خردمندِ هنرپیشه را      عمر دو بایست در این روزگار  
تا به یکی تجربه آموختن      با دگری تجربه بردن به کار

جمله سوم: پرواز را بیاموز، نه برای اینکه از زمین جدا باشی، برای آنکه به اندازه فاصله زمین تا آسمان گشوده شوی.

برخی نکات این جمله:

- ۱- جدا شدن از جایی و آمدن به جای دیگر به معنای از دست دادن جای اولی است.
- ۲- کمال آن است که در عین حفظ امکانات قبلی، امکانات جدید هم کسب شود.
- ۳- آدمی باید همه مراتب وجود را با هم داشته باشد.



۴- تواضع و بودن با دیگران ثمره علم حقیقی است.  
جمله چهارم: در مقابل مشکلات خم به ابرو نیاور! کارگردان، همیشه سخت ترین نقش را به بهترین بازیگر می دهد.

برخی نکات این جمله:

۱- جهان مدیری حکیم دارد که هیچ حقی را ضایع نمی کند.  
۲- زندگی با مشکل و سختی همراه است و رشد و کمال با رفتن در دل سختی ها به دست می آید.

۳- مشکلات بزرگ برای کسانی است که همت بزرگ دارند.

### ۹- تبیین حیرت فلسفی

مفهوم «حیرت» از مفاهیمی است که از ابتدای تاریخ فلسفه با آن همراه شده است. افلاطون و ارسطو و نیز ملاصدرا به این مفهوم توجه کرده اند. در تمثیل هایی نیز که این بزرگان برای فلسفه استفاده کرده اند، مفهوم حیرت آمده است.

ارسطو می گوید: «اعجاب و حیرت است که نخستین دانشمندان و همچنین مردم امروز را به بحث های فلسفی کشانیده است.»<sup>۱</sup>

در تبیین حیرت فلسفی به نکات زیر توجه کنیم:

۱- ابتدا باید حیرت فلسفی را از حیرت به معنای سردرگمی جدا کنیم و این کار با ذکر مثال امکان پذیر است. ارسطو، حیرت را در کنار اعجاب آورده و این همراهی می تواند دانش آموز را به مفهوم حیرت مورد نظر بکشاند. مثالی که می تواند ذهن را به حیرت به معنای سردرگمی دور کند و به حیرت همراه با اعجاب نزدیک کند، کارهای خارق العاده ای است که برخی انسان ها انجام می دهند: حرکت روی طناب نازک میان دو قله کوه، ساخت یک اتومبیل فوق العاده، رزم یک پهلوان شجاع در میدان رزم و نظایر آنها.

۲- حیرت به معنای سرگردانی و سردرگمی یک نقص است. اما حیرت فلسفی یک امتیاز است و به معنای قدم گذاشتن در تفکر عمیق می باشد.

کانت می گوید دو چیز مرا به اعجاب و شگفتی وا می دارد: آسمان پرستاره ای که بالای سر ماست و وجدانی که درون ماست. کانت در برابر این دو امر بزرگ و عظیم به حیرت و شگفتی رسیده است.

۳- داستانی که در حاشیه و در قسمت بیشتر بدانیم آمده، یک نمونه از رسیدن ناگهانی به حیرت و شگفتی است.

نقطه عطف این داستان کوتاه، سؤال رمزگونه امام هفتم علیه السلام است که اصطلاح «بنده» و «آزاد» را به گونه ای به کار برد که خدمتکار معنای عادی و روزمره آنها را در نظر گرفت. اما صاحب خانه، بُسر، متوجه معنای عمیق و فلسفی آنها شد: آزادی در نظام هستی یا بندگی؟ این سؤال او را به حیرت واداشت و دید

۱- متافیزیک، ارسطو، ترجمه شرف الدین خراسانی، نشر گفتار.

که او خود را تاکنون در این نظام هستی آزاد پنداشته است. او تصمیم گرفت از این به بعد خود را مطیع جریان حاکم بر جهان کند.

### ۱۰- انجام فعالیت پژوهش

این فعالیت، یک فعالیت اختیاری است و زمینه‌ای برای مطالعه زندگی برخی از شخصیت‌های تأثیرگذار است. آگوستین از جمله فیلسوفانی است که بر اثر یک تحول عمیق به فلسفه روی آورد. کتاب مشهور او «اعترافات» نام دارد که شرح وقایع زندگی اوست.

### ۱۱- انجام فعالیت تأمل

در این فعالیت، دانش‌آموزان روی چند بیت که دارای نکات جالبی هستند تفکر و تأمل می‌کنند تا بیشتر با مفاهیم عمیقی که در فلسفه و عرفان مطرح است آشنا شوند. در حقیقت، این قبیل فعالیت‌ها، تمرین‌های ذهنی هستند که به ورزیدگی ذهن برای تفکر در مفاهیم برتر کمک می‌کند.

#### بیت اول :

من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم      آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم

نکات قابل توجه در این بیت :

- ۱- محدود بودن قدرت اختیار انسان
- ۲- فوق طبیعی بودن حقیقت وجود انسان
- ۳- بازگشت انسان به آن جایگاه حقیقی (وطن)

#### بیت دوم :

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود      هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

نکات قابل توجه در این بیت :

- ۱- تفکر در آفاق و انفس
- ۲- شگفتی‌های جهان هستی
- ۳- مشابهت انسان غیرمتفکر با جمادات

#### بیت سوم :

عالم ظهور جلوه یار است و جاهلان      در جست‌وجوی یار به عالم دویده‌اند

نکات قابل توجه :

- ۱- نشانه بودن جهان برای خداوند
- ۲- جلوه خدا و ظهور خدا بودن هستی
- ۳- بیراهه رفتن گروهی و نرسیدن آنها به حقیقت

#### بیت چهارم :

از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم آخر؟ نمایم وطنم؟

نکات قابل توجه :

۱- طرح سه سؤال اساسی : از کجا؟ به سوی کجا؟ هدف خلقت؟

۲- وطن حقیقی انسان در جهانی برتر

تمرین ب یک جست‌وجو در کتاب‌های درسی است. شایسته است این تمرین جدی گرفته شود و دانش‌آموزان با مراجعه به کتاب ادبیات خود، اشعاری را که برای آنها جالب‌تر بوده، در کلاس ارائه دهند.

### فعالیت به کار بندیم

در این فعالیت سه سؤال طرح شده است.

سؤال اول دربارهٔ زندان انسان از دیدگاه افلاطون است.

افلاطون در تمثیل غار، انسان معمولی را انسانی تصور می‌کند که در غاری زندانی است و توانایی عبور از وضع موجود را ندارد. او انسانی است که به همین مشاهدات محسوس قناعت می‌کند و همین دنیا و عالم محسوس را حقیقت هستی تلقی می‌کند و چشمش به روی مراتب دیگر عالم باز نشده است.

سؤال دوم، سؤال از راه‌هایی از این زندان است.

راه‌هایی از نظری در آمدن از سکون، بلند شدن از جای خود، تحمل رنج اولیه برای عبور و رسیدن به حقیقت است.

سؤال سوم، مقایسه‌ای میان انسان رها شده از غار و افراد محبوس در زندان است.

مشکل بزرگ انسان‌های متفکر، نامأنوس بودن سخنان آنها برای آدم‌های معمولی است. انسان‌های عادی به وضع موجود خود عادت کرده‌اند و هرکس بخواهد این عادت را به هم بریزد برای آنان سخت و دردآور است.

آدم‌های معمولی چون اهل تفکر نیستند همین وضع موجود را بیشتر می‌پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.

البته نکات فراوان دیگری می‌توان در پاسخ این سه سؤال مطرح کرد که نتیجه تفکر در تمثیل غار است.

## درس پنجم

# زندگی بر اساس اندیشه

### هدف کلی :

پذیرش سقراط به عنوان یک فیلسوف نمونه و همراهی با اندیشه‌ها و عمل او  
شایستگی‌هایی که باید کسب شود :

- ۱- توانایی بیان ویژگی‌های برجسته زندگی سقراط
- ۲- برقراری ارتباط میان اندیشه‌ها و سبک زندگی سقراط
- ۳- ذکر علت مخالفت آتنیان با سقراط و محاکمه و مرگ او

### طراحی آموزشی درس

این درس ساختاری داستان‌وار دارد و گزارشی مستند از آخر زندگی سقراط را ارائه می‌دهد. در این گزارش بخش‌هایی از آخرین گفت‌وگوهای وی با اطرافیان که حاوی نکات فلسفی و اجتماعی و اخلاقی است، مطرح می‌شود.

پس از ارائه گزارش، تفکر روی آنچه گزارش شده آغاز می‌شود و با سؤال‌هایی که طرح شده، مجدداً دانش‌آموزان به سراغ متن داستان می‌روند و با بررسی متن می‌کوشند که به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهند. گزارش بخشی از یک زندگی طرح سؤال از گزارش ارائه شده تفکر دانش‌آموزان در متن گزارش برای یافتن پاسخ

### نکات آموزشی و مسیر تدریس

#### ۱- اجرای نمایشی بخش اول

بخش اول درس، یعنی گزارش زندگی سقراط، باید به صورتی جذاب و تأثیرگذار، قبل از پرداختن به سؤالات ارائه شود. این ارائه می‌تواند در قالب‌های مختلفی که دبیر پیش‌بینی می‌کند، ارائه گردد، از جمله :  
- دبیر در قالبی جذاب و تأثیرگذار این گزارش را روایت کند و با ایجاد فراز و نشیب در گزارش، روی نقطه‌های عطف داستان تأکید کند و با شکل و قالب بیان خود توجه دانش‌آموزان را به آن نقاط عطف جلب نماید.

- تعدادی از دانش‌آموزان انتخاب شوند و قسمت اول را به صورت یک نمایشنامه اجرا نمایند. شکل اجرا می‌تواند به این شکل باشد که یک دانش‌آموز نقش راوی برعهده بگیرد و ابتدای درس را که در زمینه قهوه‌ای رنگ قرار گرفته، ارائه دهد. راوی دیگری قسمت دوم درس تا آخر صفحه ۳۳ را گزارش کند و زمینه را برای ورود به یک دادگاه آماده کند.

یک دانش‌آموز در نقش مِلِتوس و دانش‌آموز دیگر در نقش سقراط ظاهر شوند و در حالی که راوی

گزارش می‌کند، ملتوس و سقراط، سخنان خود را بیان نمایند.

## ۲- تفکر در متن

پس از گزارش متن، تفکر در متن آغاز می‌شود تا دانش‌آموزان به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهند. با طرح هر سؤال، فرصتی به دانش‌آموزان داده می‌شود تا به متن مراجعه کنند و براساس متن پاسخ خود را ارائه نمایند.

سؤال اول دربارهٔ اعتقاد سقراط است. سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام‌هایی می‌آورد تا با مردم در میان بگذارد. او به مغالطه و فریب و زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می‌خواست که به خدای برتر که همه چیز را می‌داند، ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت‌های اخلاقی را زنده کنند.

سؤال دوم دربارهٔ دیدگاه سقراط نسبت به جهان هستی بود. او اموری مانند خورشید و ماه را خدای جهان نمی‌دانست. او به خدایی معتقد بود که از دیده‌ها پنهان است و برترین است و برای این اعتقاد خود استدلال می‌کرد.

سؤال سوم دربارهٔ علت اقرار به نادانی توسط سقراط است. توجه دادن دانش‌آموزان به چند نکته ضروری است.

۱- از نظر سقراط و هر انسان خردمندی ندانستن و جهل یک نقص و عیب محسوب می‌شود و هر کس باید در پی رفع این نقص و عیب باشد.

۲- دانستن و علم یکی از بزرگ‌ترین فضائل انسانی است و هر قدر که علم و دانش انسان بیشتر شود قدر و منزلت او افزایش می‌یابد. به همین جهت سقراط خود را «فیلسوفیا» یعنی دوستدار دانایی نامید. او حقیقتاً عاشق دانایی بود.

۳- بزرگ‌ترین کار سقراط مبارزه با جهل و نادانی مردم بود. او معتقد بود که سوفیست‌ها و مغالطه کاران مردم را در جهل و نادانی نگه می‌دارند و به غلط می‌اندازند.

۴- او با فخر فروشی از طریق علم به شدت مخالف بود. اگر کسی که به اندکی از دانش رسیده خود را برتر از دیگران بیندارد و تکبر داشته باشد، از حقیقت دانش دور شده است.

۵- دانش حقیقی انسان را در برابر خدا، خلقت و مردم متواضع و افتاده‌تر می‌کند. به خاطر اینکه: می‌داند خدایی که هستی را آفریده و به او قدرت داده که گوشه‌ای از هستی را درک کند، دانشی وصف ناپذیر دارد.

و می‌داند که این خلقت و این جهان آنقدر بزرگ و عظیم است که دانش او در برابر ندانسته‌هایش قطره‌ای در برابر دریاست. این سینا در وصف خود می‌گوید:

یک موی ندانست ولی موی شکافت

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

همچنین در برابر مردم نیز متواضع می‌شود؛ زیرا می‌داند تکبر و فخر در مقابل مردم از رذایل اخلاقی و صفات پست است.

با توجه به این نکات است که سقراط فروتنی به خرج می‌دهد و خود را نادان‌ترین به حساب می‌آورد.  
۶- نکته آخر اینکه سقراط، یکی از رسالت‌های خود را مبارزه با مدعیان دانش و دانشمندانها می‌دانست. با آنها وارد بحث و گفت‌وگو می‌شد تا نشان دهد که آنان از دانش واقعی برخوردار نیستند.  
سؤال چهارم درباره اصول اخلاقی‌ای است که سقراط در زندگی خود بدان‌ها پایبند بود.  
دانش‌آموزان باید با مطالعه درس بتوانند به برخی از این اصول اخلاقی پی ببرند. البته این یک سؤال واگر است و ممکن است هر دانش‌آموزی به یک اصل خاص که مورد توجه او قرار گرفته اشاره کند. برخی از این اصول عبارت‌اند از:

- برتری فضیلت بر ثروت

- فداکاری در راه حقیقت

- تحمل رنج برای آگاهی مردم

- ترسیدن از مرگ

- احساس تواضع در برابر علم و دانایی

سؤال پنجم درباره شجاعت سقراط و ترسیدن وی از مرگ است. او مرگ را یک انتقال به جهان دیگر می‌دانست. این انتقال اگر با سربلندی و عزت باشد، شیرین است. اما اگر با خواری و ترس و جهل باشد، تلخ و زیان‌آور است.

سؤال ششم در حقیقت، سه سؤال است:

الف) چرا سقراط خود را در برابر جامعه آن مسئول می‌دید؟

ب) یک فیلسوف، چه زمانی مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهد؟

ج) آیا میان فلسفه سقراط و زندگی وی ارتباطی هست؟

بند «الف» اشاره به مأموریتی دارد که سقراط از جانب خدا بر دوش خود احساس می‌کرد و آن، بیدار ساختن مردم و تلاش برای رها ساختن آنان از جهل و خرافات بود. همان مأموریتی که افلاطون در تمثیل غار بر دوش آن جوانی قرار داد که از غار بیرون آمد و روشنایی حقیقت را دید. این جوان به غار باز می‌گردد تا هم‌نوعان خود را نیز از حقیقت آگاه کند و از جهل برهاند.

بند «ب» مربوط به انتخاب بزرگ سقراط در پذیرش مرگ و ترجیح آن بر زندگی همراه با ننگ و عار است. او یا باید ادعای سوفسطائیان را می‌پذیرفت که جوانان را گمراه می‌کند و دست از آگاهی بخشی بر می‌داشت یا باید نتیجه حق خواهی و پیروی از حقیقت را تحمل می‌کرد.

بند «ج» نشان می‌دهد که سقراط دقیقاً بنابر فلسفه‌اش زندگی کرد. به تعبیر دیگر، او برای زندگی خود فلسفه‌ای داشت و دقیقاً می‌دانست که چه می‌کند. او معتقد به خداوندی بود که با ناهای غیبی مسئولیتی بر دوش او گذاشته و آن آگاه کردن مردم به کمال نفس بود. ترجیح فضیلت بر ثروت، گذرگاه بودن مرگ، تواضع و فروتنی علمی و بسیاری از اصول فکری دیگر که سقراط پذیرفته بود، به زندگی سقراط رنگی دیگر داده بود. او براساس همین اصول زندگی کرد و براساس همین اصول، مرگ را بر حیات همراه با ذلت ترجیح داد. سؤال هفتم که مربوط به درس گرفتن از زندگی سقراط است، یک سؤال واگراست. هر دانش‌آموزی، ممکن است تحت تأثیر بخش خاصی از سخنان سقراط و شیوه زندگی وی قرار بگیرد و همان را به عنوان مهم‌ترین درس اعلام کند.

این سؤال، نیازمند به فراهم کردن شرایط تأمل و دقت نظر و جدی گرفتن سرگذشت سقراط است و سبب افزایش تأثیرگذاری درس در مخاطب می‌شود.

سؤال هشتم، بازگشتی به سؤال «ج» در سؤال ششم است و تأکیدی بر آن سؤال می‌باشد. در پاسخ به این سؤال، باید دانش‌آموزان را به این نکته توجه دهیم که اصولاً زندگی هیچ‌کس از فلسفه او جدا نیست. با این تفاوت که بسیاری از افراد فلسفه روشن و پخته‌ای ندارند و در نتیجه، زندگی با برنامه و با هدفی را دنبال نمی‌کنند. اما اگر کسی به فلسفه‌ای روشن و مستدل رسیده باشد و بدان معتقد شده باشد، حتماً تحت تأثیر آن زندگی خواهد کرد.

### ۳- انجام فعالیت تفکر

این فعالیت برای تقویت ارتباط میان کتاب منطق سال دهم و کتاب فلسفه و استفاده از آن آموخته‌هاست. مغالطه‌ای در درس دهم منطق به نام «مغالطه تحریک احساسات» طرح شده است. در این روش، شخص مغالطه‌گر بر آن است که با تحریک احساسات مخاطبان، آنها را به تصمیم‌گیری براساس احساس، نه عقل و منطق بکشاند. این روش در دادگاه‌های یونان کاربرد داشته است. اما با اینکه حق با سقراط بود، ولی او حاضر نشد که از روش غلط برای رسیدن به مقصود و اثبات حقانیت خود استفاده کند.

### ۴- انجام فعالیت به‌کار بیندیم

در سؤال اول در این فعالیت دو دیدگاه نزدیک به هم، با یکدیگر مقایسه شده‌اند. فردوسی در آغاز شاهنامه می‌گوید:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
زنام و نشان و گمان برتر است	نگارنده بر شده پیکر است

به بینندگان آفریننده را	نبینی، مرنجان دو بیننده را
نیابد بدو نیز اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه
سخن هر چه زین گوهران بگذرد	نیابد بدو راه جان و خرد
ستودن نداند کس او را چو هست	میان بندگی را بیادیت بست
خرد را و جان را همی سنجد او	در اندیشه سخته گی گنجد او
بدین آلت رای و جان و زبان	ستود آفریننده را کی توان
به هستیش باید که خستو شوی	زگفتار بیکار یکسو شوی
پرستنده باشی و جوینده راه	به ژرفی به فرمانش کردن نگاه
توانا بود هر که دانا بود	زدانش دل پیر برنا بود
از این پرده برتر سخن گاه نیست	زهستی مراندیشه را راه نیست

ارتباط برقرار کردن میان دیدگاه‌ها نشان‌دهنده آن است که حقایق ثابت و جهان شمولی وجود دارد که در فرهنگ‌های مختلف پذیرفته شده است.

یکی از این حقایق ثابت، ارزشمندی عقل و علم است که عموم متفکرین عالم درباره آن سخن گفته‌اند. در مقام مقایسه می‌توان گفت:

اولاً: هم سقراط و هم فردوسی بر ارزشمندی علم تأکید کرده‌اند.

ثانیاً: سقراط به تأثیرگذاری اخلاقی علم توجه کرده و گفته که انسان خوب و با فضیلت، انسانی است که فضیلت‌ها را می‌شناسد و بدان عمل می‌کند. فردوسی به جنبه توانایی بخشی علم و قدرت آفرینی توجه کرده و گفته است که هر قدر دانش انسان‌ها افزایش یابد، قدرت و توانایی آنان نیز بیشتر می‌شود.

سؤال دوم سخن مشهور او درباره «نمی‌دانم» است. درباره «نمی‌دانم» سقراط قبلاً نکاتی ذکر شد که در اینجا قابل استفاده است.

در اینجا این نکته را اضافه می‌کنیم که دانشمندی می‌تواند عبارت «نمی‌دانم» را بر زبان جاری کند که: عظمت جهان را درک کند.

به بزرگی خالق آن پی برده باشد.

در برابر بزرگی خالق و عظمت جهان احساس تواضع کند.

### ۵- انجام فعالیت پژوهش

در این کتاب، دانش‌آموزان به انجام پژوهش‌هایی که بیشتر جنبه مطالعه دارند، تشویق شده‌اند. دو منبع



برای پژوهش پیشنهادی در این درس معرفی شده است. ممکن است دانش‌آموزان به این دو منبع دسترسی نداشته باشند. دبیران گرامی می‌توانند کتاب‌های دیگر یا مقالاتی را به آنان معرفی کنند که دانش‌آموزان از آنها استفاده کنند. حتی اگر یک دانش‌آموز را هم بتوانیم به چنین تحقیقی جلب کنیم، مراتبی از موفقیت را به دست آورده‌ایم.

عبدالفتاحی فاضل استناد